



هماهنگ با مبارزه توده‌ها

جنبش ایران‌نیا ن مقیم خارج بمثا به جزئی از جنبش دمکراتیک خلقهای ایران پیوسته نسبت به مسائل و تحولات مبارزات توده‌ها در داخل کشور حساس بوده و مبارزات دفاعی و افشاگر خود را در راستای نیاهای این مبارزه هماهنگ کرده است. چنانکه در سالهای اخیر که مسئله جنگ ایران و عراق و خواست صلح محوری ترین مطالبه دمکراتیک توده‌ها را تشکیل میداد، دیدیم بیشترین فعالیتهای جنبش خارج از کشور، صرف نظر از فرا زو فرودها و نقطه ضعف‌های آن جنبش صلح و افشای موضع جنگ طلبانه رژیم اسلامی شد.

اکنون با توجه به شکست جمهوری فقها در جنگ و پذیرش آتش بس و تنبیر آتش که تحت تا شیب سرآوردن اوضاع و احوال سیاسی کشور پدید آمده، در شعارهای دفاعی جنبش خارج از کشور نیز تنبیر آتشی حاصل خواهد شد که توجه به آنها برای سازماندهی نیروها و متمرکز کردن روی محورهای اساسی این مبارزات ضروریست.

با بد توجه داشت که مسائل مربوط به جنگ و صلح بعد از پذیرش آتش بس کماکان عمده ترین موضوعی است که فعل و انفعالات بزرگ سیاسی کشور را زکاتال آن میگذرد. برای رژیم جنگ طلب فقها که در شرایط شکست و ضعف و ترس از برآمدن توده‌های سقوط خودناچار به پذیرش آتش بس شده بقیه در صفحه ۲

علیه شکنجه و اعدام ، به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم !

جمهوری چهل و جنایت اسلامی که جنگ ۸ ساله را وسیله تحمیل توده‌های رنج دیده کشور مسان و تحکیم حکومت خود قرار داده بود، تخت نشانی را عترات توده‌های، بی‌بیزه و مقاومت کارگران و زحمتکشان در وحشت از انقلاب زهر پذیرش آتش بس را بصورت فضا حت با ری سرکشید. بی شک تحمیل آتش بس، پیروزی بزرگی است که مردم مقاوم و قهرمان کشورمان، علیه رژیم مافوق با رژیم فقها بدست آورده اند. هم اکنون نهاد های رسمی بین المللی، از شورای امنیت گرفته تا مطبوعه سرخ در تلاش سراسر مان دادن به اجرای قطعنامه ۵۹۸ هستند که یکی از مواد آن آزادی اسرای دوطرف درگیر در جنگ است.

اما همزمان با آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و حتی قبل از آن یعنی از فردای قیام پیروز شدند توده‌ها که بساط سلطنت، درهم پیچیده شد و ارتجاع مذهبی روی کار آمد، جنگی بهمان کثیفی و ارتجاعی، در داخل و بصورت آشکار و پنهان از طرف فقها علیه مردم کشورمان جریان داشته است، که محصول آن نه کشتار جمعی جوانان تحمیل شده و حزب الله و یاسر با زان و وپا سداران سرمایه، بلکه نابودی جمعی از فرهیخته ترین، آگاهترین و شجاعترین جوانان کشورمان، زنان و مردان آزادیخواه، سعادت جو و طالب رها بی توده‌های مردم و به بند کشیده شدن دهها هزار تن از آنان در سیاه چال های رژیم بوده است.

اکنون که رژیم فقها تا حدودی از جبهه‌های جنگ خارج آسوده شده است، با شما قوا در جبهه داخلی هجوم آورده است تا بلکه جلوی بی‌پرواشی و تعرض بیش از حد توده‌های عاصی را علیه خود سد کند. او در این جنگ علیه توده‌ها، صدها هزار سیرا زجبهه انقلاب یعنی زندانیان سیاسی را در گروگان خود دارد و سعی میکند با اعدام‌های وسیع و فتنه ریز آنها توده‌های جان بر لب رسیده را تهدید کرده و مرعوب سازد. چرا که می‌داند وجود و مقاومت آنان، وجود و مقاومت شکستنا پذیر کارگران و زحمتکشان است.

بقیه در صفحه ۲

فدای ایران :

گزارشی از نظرات مردم درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸

هرگز ژنرال ضیاء

و پیامدهای آن در پاکستان

روز ۱۷ آگوست رادپوی پاکستان و همزمان با آن خبر گزاریهایی جهان خبر دادند که ژنرال ضیاء الحق، زهر کودتای ۱۹۷۷ و رئیس جمهور "قانونی" پاکستان در یک سانحه هوایی جان باخت است. او در روز ۱۷ آگوست هنگامی که همراه یک جمع سی نفره، که سفیر آمریکا در پاکستان و رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان نیز و همراهی می‌کردند، وبوسیله یک هواپیمای مخصوص مشغول باز دید از یک مانور نظامی نیروهای ارتش پاکستان بودند، ناگهان با انفجار هواپیمای نا مبرده تمام چند نفر سرنشینان هواپیمای هلاکت می‌رساند.

ارتش نا دندنان مسلح پاکستان تحسنت بقیه در صفحه ۴

ترکیه فروخت ، ایران به رگبار بست

رئواس تشین دارای پلاک 65AU66 در جلوی هتل چالديران (CALDIRAN) وان توقیف کرد. از ماشین سه پلیس سویل پیدا شدند و به نزد پناهندگان منتظر در هتل رفتند. یکی از پلیسها اساسی ۱۶ نفر از ۲۲ نفر پناهنده در هتل را از کاغذی که در دست داشت خواند. بعد از آنجا به هتل های اسلان (ASLAN) براد (MURAT) و سبیل (SIBEL) رفتند. مجموعا به ۵۸ پناهنده مژده‌های زا که مدت ها در انتظارش بودند، دادند که به کمپهای تحت نظرها زمان میل در شهرهای کاپری (KAYSERI)، چوروم (ÇORUM) اسکی شهر (ESKISEHIR) کوتا هیا (KUTAHYA) و کاستامونو (KASTAMONU) در تاریخ ۲۹.۷.۸۸ فرستاده خواهند شد. بقیه در صفحه ۱۴

ستون آزاد

(نقدتار)

در صفحه ۵
اجرائی زیبای یک اشهرت

در باره پاولوف و پاونوف، در صفحه ۸
- قسمت دوم - در صفحه ۸

"اقلیت"

علیه آزادیهای بی قید و شرط سیاسی

تهران میماند

انحمارات بین المللی

در صفحه ۱۲

هماهنگ با مبارزه توده‌ها

اطلاعیه مطبوعاتی کمیته خارج از کشور

از هفته اول ژوئیه ۸۸ ملاقات کلیه زندانیان سیاسی ایران قطع گردیده و حکومت اسلامی هرگونه ملاقاتی را تا نیمه اکتبر ۸۸ ممنوع کرده است. خانواده‌های زندانیان سیاسی که در چنین مواقعی نگران جان فرزندان خود هستند در مراجعه به زندانها در نیمه دوم و ت ۸۸ موفق نشدند هیچگونه اطلاعی از سرنوشت فرزندان خود پیدا کنند. لذا آنها قمدارند که در روز ۳۰ اوت ۸۸ در جلوی زندان اوین تجمع کرده و برای کسب اطلاع از فرزندان خود اقدام نمایند. ایستادن در حال نیست که رژیم شکست خورده فقها در جنگ که در ترس از اعتراضات مردم بصری برد، به اقدامات جنایتکارانه خود در زندانها با کشتار زندانیان ادامه می‌دهد. گزارشات متعددی از اعدامهای وسیع زندانیان سیاسی ایران واصل شده که بنا تنفروا نزاجا مردم ایران و همه بشریت مترقی و آزادیخواه روبرو گشته است. در اعتراض به این فشارهاست که زندانیان قهرمان سیاسی ایران دست به اعتصاب غذا زده اند. ما افکار عمومی مردم آزادیخواه و نیروهای دمکرات را به اقدامات جنایتکارانه رژیم اسلامی در جهت تشدید فشار بر زندانیان سیاسی جلب کرده‌ایم خواهیم که با اعتراضات خود علیه ترور و اختناق و بیفنج دمکراسی در ایران مبارزه نمایند.

سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
کمیته خارج از کشور
۲۸ اوت ۸۸

يك "تصميم سياسى"

دولت دست راستی آلمان غربی این روزها پس فرستادن پناهندگان رده شده و خارجیان را به کشورهایشان در دستور کار خود قرار داده است. طبق تصمیم وزارت حمل و نقل آلمان غربی، قرار شده است که همراه با پناهندگان و خارجیان که اجباراً می‌باید خاک آلمان غربی را ترک کنند یک ما مور مرزی فرستاده شود تا از خروج پناهنده و خارجی پس فرستاده شده از خاک آلمان غربی، اطمینان حاصل شود. در همین رابطه بسیاری از شرکت‌های هواپیمائی برای خوش خدمتی به این "تصمیم سیاسی" دولت دست راستی، هزینه تبلیغ ما مور مرزی ای که پناهنده و با خارجی پس فرستاده شده را همراهی می‌کنند به نصف قیمت تقلیل داده‌اند. تاکنون لوفت هانزا، پانام و بریتیش ایرویز برای این خوش خدمتی اعلام آمادگی کرده‌اند.

حلقه‌ها تمام دهنده حرکات و خواسته‌های متفاوت مردم عمل کرده و به تازمه برای تعرض به رژیم فقها و در جهت سرنگونی آن در می‌آید. این امر در خارج از کشور که محیط بین المللی و فضای عمومی مهاجرین برای مبارزات دفاعی در این زمینه آماجگانه داشته و از حساسیت زیادی برخوردار است، میتواند نمود یک جنبش وسیع گشته و پشتیبانی موثر و کارآیی را از مبارزات مردم کشورمان سا زمان دهد. دفاع از تمام حقوق دمکراتیک و در راستای آنها دفاع از زندانیان سیاسی ایران عرصه چنین مبارزه ای است. مبارزه ای که در موقعیت حاضر با بدبیش از هر زمان مورد توجه جنبش خارج از کشور قرار گرفته و بر آن متمرکز گردید.

برای برپائی و پیشروی این مبارزه، شرکت گسترده و متحد شده مهاجرین آزادیخواه ضروری است و این امر از طریق تشکیل "کمیته‌های ضد اختناق" برای دفاع از آزادیهای سیاسی و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی جهت مبارزه برای آزادی و حقوق زندانیان سیاسی، متحقق می‌شود. چرا که این تشکلهای که حول خواسته‌های مشخصی شکل می‌گیرند و بشوهای دمکراتیک کار می‌کنند مجال فعالیت را برای همه ایرانیان آزادیخواه فراهم می‌کنند. جلب عنا و نیروهای مترقی و دمکرات کشورهای نیز با جهت شرکت و عضویت در این کمیته‌ها شرایط تحقق بخش اصلی اهداف این مبارزه را که همانا کسب پشتیبانی افکار عمومی بین المللی برای آزادی در ایران و علیه حکومت فقها است، تا مین می‌کند. اگرچه اقدامات افشاگر و دفاعی در این زمینه در موازات معین و مشخص برجسته و فعال می‌شود اما بغلت پایا بودن و تعدد مسائل مطرحه، خصلت دائمی به کار این تشکلهای می‌دهد. در مورد دفاع از زندانیان سیاسی باید توجه کرد که اولاً دفاع ما از زندانیان سیاسی همچنانکه به رهنا گفته ایم فارغ از تعلقات ایدئولوژیک و حزبی آنها بوده و در برگیرنده همه زندانیان سیاسی و شامل آندسته از کسانی هم که بدلائل مذهبی در بند هستند می‌شود. ثانیاً دفاع ما تحت شعارهای اساسی آزادی زندانیان سیاسی، قطع شکنجه و اعدام صورت می‌گیرد. ثالثاً ما از کلیه مبارزات زندانیان که برای بهبود شرایط زندگی در زندانها صورت می‌گیرد حمایت می‌کنیم.

با شدت در شرایطی که نفیهای رژیم شکست خورده اسلامی بشمارش افتاده و می‌کوشد با طرفین پذیرش آتش بس، فرصت‌هایی بدست آورد و از سوی دیگر برای کنترل اوضاع دست به جنایت علیه زندانیان سیاسی می‌زند، همسوی با مبارزات توده‌های خلق مبارزه یکپارچه ای را پیش ببریم و روند سقوط روبرو به نابودی رژیم فقها را تسریع کنیم.

است، با این اقدام بمعنی صلح پایدار و برابری اولی صلح دمکراتیک نیست. مذاکرات ژنودر مورد سرنوشت جنگ که در برگیرنده موضوعات و مسائل بس پیچیده ای می‌شود در کانون اخبار و فعل و انفعالات سیاسی قرار گرفته و احتمالاً به عرصه کشمکش‌های سخت و طولانی تبدیل می‌شود. دبیرکل سا زمان ملل که سرپرستی مذاکرات را بعهده دارد و جز خوشبین ترین افراد نسبت به آینده جنگ ایران و عراق است، پیش بینی کرده که این گفتگوها ممکن است با آنها بطول انجامد. بهر صورت هما نظر که این جنگ به مردم دو کشور تعلق نداشت، مذاکرات و طرفیندهای رژیم در مقطع کنونی هم نمی‌توانند در جهت صلح مورد نظر مردم باشد. بنا بر این توده‌های مردم که بحق با بدبینی و عدم اعتقاد به ژست صلح خواهانه رژیم برخورد می‌کنند، در این شرایط با طرح شعارها و خواسته‌های روشن در مورد صلح دمکراتیک و پایا رکه مبتنی بر نفی الحاق طلبی و فراموشی و تا کید بر تضمین حق تعیین سرنوشت ملتها است، تعرض خود را در مبارزه علیه جنگ و علیه حکومت اسلامی سا زمان می‌دهند. لذا جنبش خارج از کشور نیز برای اینکه بتواند همگامی خود را با مبارزات صلح طلبانه مردم میهنمان عملی کند می‌باید بر همین شعارها تکیه کرده، و فعلاً لیتهای خود را حول آنها سا زماندهی کند. در کنار این مبارزه بسیاری صلح دمکراتیک دو موضوع دیگر که رابطه مستقیمی با جنگ و پیروسی کنونی آن دارند عبارتند از خروج نیروهای نظامی از منطقه و بطور مشخص از خلیج فارس و مسئله حمایت از حقوق خلق کرد که زیر شدیدترین فشارها و مغالطات انتقامجویانه قرار دارند ما با ید با طرح این شعارها حضورتجا و زگرانه امپریالیسم آمریکا و متحدین ناتوی آن را که به بهانه جنگ طلبی فقها گسترش یافت با تمام قوا افشا کنیم و همچنین از حقوق خلق کرد که در هر ساخت و پاخت مربوط به جنگ مورد فشار و تنفیج قرار می‌گیرد، دفاع نمائیم. واقعیت آنست که مبارزه برای صلح دمکراتیک بدون مبارزه با امپریالیسم و مبارزه برای دمکراسی و بدون دفاع از جنبش خلق کرد معنی واقعی و کارآمد خود را پیدا نمی‌کند. خصوصاً این دو شعار در سطح جنبش خارج از کشور بدلیل تا شربسب افکار عمومی بین المللی کارآیی ویژه ای دارند. مسئله اساسی و پرا اهمیت دیگر، اختناق و سرکوب حقوق و آزادیهای دمکراتیک است. این موفوع در شرایط کنونی هر چه بیشتر به جلو منتهی مبارزه توده‌ای کشیده می‌شود. مبارزه برای دمکراسی و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی که از هم وظا شسف مبارزاتی است، در وضعیت کنونی آنچنان نقش و جایگاهی در مبارزات جاری پیدا می‌کنند که همچون

ادامه از صفحه ۱

علیه شکنجه و اعدام ، به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم !

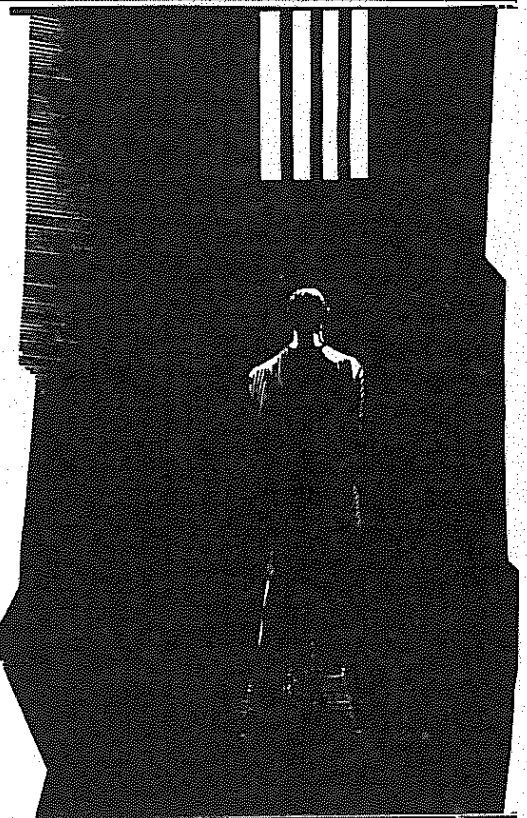
رژیم جمهوری اسلامی مثل هر رژیم جنایتکار و تروریست دیگر بخاطر شکست در مقابل شعری توده ها می خواهد با اعدام اسرا ، زندانیان سیاسی ، از توده ها انتقام بگیرد و شیرینی پیروزی توده ها را علیه جنگ که همیشه عمر رژیم فقها به آن بسته بود ، در کاوشان بدل به زهرنا بد ، اما غافل از اینکه مردم ما تجربه بزرگ انقلاب و قیام پیروز مند بهمن را فراموش نکرده اند ، آن زمان نیز رژیم شهبکار شاه در آستانه فروریزی ، طرح کشتار جمعی زندانیان سیاسی را ریخته بود ، که با یورش سبیل آسای توده ها ، آرزوهایش درنا بودی زندانیان سیاسی ، بیگانه های انقلاب ، برپا درفت ، حالانکه مردم کشورمان ، کارگران و دهقانان ، زنان ، مردان و جوانان ، برادران و خواهران ، شوهران و زنان و فرزندان اسیر قهرمان خود را در چنگال دژخیم تنها رها نخواهند کرد .

اخبار رسیده در هفته های گذشته حاکی از آن است که رژیم جنایتکار رتعدا دزیادی از زندانیان سیاسی را تیرباران کرده و نقشه های اهریمنانه ای برای کشتار بیشتر زندانیان سیاسی ، در سر دارد . بدینوسیله حکومت می خواهد از توده ها انتقام گرفته و مرعوبان سازد ، رژیمهای ایران و عراق برای آزادسازی اسرای جنگ خارجی خود زیر نظر سازمان ملل در حال چانه زدن هستند ، مردم کشور ما اما برای آزادسازی فرزندان اسیر خود در جنگ خانگی ، با یهدید و یار تجاج پیروز گردند ، نه قطع - نامه های رنگارنگ و نه چانه زدنهای پشت میز مذاکرات در سازمان ملل بهبودی در سر نوشت اسرای ما ، زندانیان سیاسی ، بوجود نخواهد آورد ، آتش بس و مذاکرات مال جنگ آنهاست . جنگ ما و آزادی اسرای ما تنها با درهم شکسته شدن کامل رژیم رتجاجی اسلامی به نتیجه خواهد رسید ، با یهدعصره را بیشتر از پیش بر رژیم اسلامی تنگ تر کنیم ، با یهدطنا بد را هر چه محکمتر بر گردانیم و بکشیم تا قبال ندهیم . یعنی دندان در آورد " . برای آزادی زندانیان قهرمان با یهدبر رژیم جنایتکار اسلامی پیروز شویم ، این تنها راه واقعی آزادی اسرای ماست ، در این راه نه دولت های امپریالیستی و نه نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل ، بلکه انقلابیون ، آزادیخواهان ، ترقیخواهان و بشردوستان جهان در طرف ما هستند ، برای برپا شدن کارزار جهانی علیه اختناق و سرکوب در ایران دست در دست هم بپیش ! اکنون که انحمارات جهانی برای بلعیدن ذخایر ثریای ما نده کشورمان مفکشیده دهان گشوده اند ، اکنون که رژیم اسلامی برای بازسازی ارکان رژیم درهم کوفته اش در تلاش مظلومناشی و فعال کردن دیپلماسی خارجی خود است ، بهترین فرصت برای افشای هر چه بیشتر چهره جنایتکار و ضد بشری او فراهم آمده است ، با ایجا دکمیته های دفاع از زندانیان سیاسی ، علیه اختناق و سرکوب در ایران و آکسیون های فعال و افشاگر افکار عمومی را متوجه کشتاری که پس از جنگ در جریان است سازیم ، با یهدا طریق جلب همکاری و همبستگی مردم کشورهای که بصورت پناهنده و آوارهدر آنجا زندگی میکنند ما نع از تقویت رژیم جنایتکار اسلامی توسط دولت پناهنده گردیم ، تاجرب مبنی از ره پناهندگان و مهاجرین یونانی ، ترک ، شیلیایی و ... علیه دیکتاتورهای وحشی نظامی خود پیش روی ماست ، به پیش ! موفقیت از آن ماست !

ترکهای بنیادگرا

برای سفارتخانه های رژیم جاسوسی می کنند

اخبار سفارت رژیم جمهوری اسلامی ایران در آلمان فعالیت چتکبری زاد در میان ترکهای بنیادگرا و سنتی شروع کرده است . عناصر وابسته به سفارت ایران ترکهای مهاجری را که نسبت به رژیم اسلامی و شخص خمینی سمپاتی دارند به سفارت و با خانه ها بنازان (همان خانه های ایران سابق که محل ملاقات تروریست های خمینی بوده و توسط مجله آنترن افشاء شد) دعوت میکنند ، از آنها انواع همکاری ها طلب می شود ، این همکاریها شامل معرفی فعالین اپوزیسیون رژیم ، فعالیت و ارتباط به نفع گروه های مذهبی و مسلمان ترکیه ، جذب عناصر مزدوران جدید به خانه بنازان و ... می باشد . به برخی از این ها " کمک مالی " نیز داده می شود ، رژیم اسلامی برای فریب ترکها و استفاده از آنها آگاهی آنها اقدام به ترجمه آثار شرعیتهی به زبان ترکی استانبولی کرده است و این کتابها را وسیله در مظلله ارتجاعی و مذهبی ترکها بخش می کند ، مواردی از تفقیب و مراقبت ایرانین مبارز که توسط همین ترکهای فریب خورده انجام می گرفته مشاهده شده است ، رژیم تعدادی از این فریب خوردهگان را نیز برای جنگ با دولت افغانستان راهی ملوف مجاهدین افغانی می کند .



هنر در چنگال فقها

جمهوری فقها برای هنر و فرهنگ منهدان ، قنای باز " ایجا دمی کند تا مدحش را گویند و به فرقی می گویند و به زنجیرش می کشند ، آنگاه که از آن حساس خطر کند ، با به روایتی دیگر فقها در این عرصه نیز به سان دیگر عرصه ها اعلام می دارند : آزادید ، خلق کنید و بسا زید تا آنجا که من می گویم .

و در این رابطه است که فیلم اخیرا به چنگال فقها کشیده شده است تا چندی پیش اصل بر این استوار بود که فیلمساز برای تهیه یک فیلم سنا ریورا به وزارت ارشاد دبرده و اجازه لازم را می گرفت ولی پس از مدتی که فیلم تهیه می شد عملا در برابر وزارت ارشاد دقرار می گرفت ، چرا که او یکبار اجازه آن را صادر کرده بود و طبیعی است که می بایست پروانه شماره نمایش نیز صادر کنند ، بر این اساس در پی گیر کردن چند فیلم در چنگال وزارت ارشاد د که نمی خواست برایشان پروانه صادر اما در کند و با کارگردان تن به سانور خواسته شده نمی داد ، وزارت ارشاد د به این نتیجه رسید که بهترین شکل کار را عوض کند ، در نتیجه اخیرا اعلام شده که فیلمها تنها در صورت حاضر شدن برای صدور پروانه نمایش با یهد به وزارت ارشاد د آورده شود ، به روایتی دیگر تهیه کنندنده و کارگردان با یهد حداقل ۵۰ میلیون تومان خرج بکنند و فیلم را حاضر گردانند ، آنگاه به اسرای اجازه نمایش خدمت فقها تقدیم دارند ، با این حساب که شاید هیچوقت مجوز نمایش نگیرد ، و این یعنی رنگ خطری برای تمام کارگردانان و تهیه کنندگانیکه نمی خواهند هنر خویش را به مدیحه و شکر و سپاس جمهوری فقها تبدیل کنند ، از طرف دیگر این خود دامی است تا نویسندگان سنا ریور کارگردان و تهیه کنندنده را به خود سانسوری بکشند .

مرگ ژنرال ضیاء و پیامدهای آن در پاکستان

رهنمودهای مخفیانه‌ها زمان سیاه در ۱۹۷۷ دست به کودتای نظامی می‌زنند که تقریباً بدون خونریزی و با موفقیت کامل به انجام می‌رسد. ضیاء الحق در کموت رهبر کودتاچیان، ذوالفقار علی بوتورا دستگیر و پس از مدتی اعدام می‌کند، پارلمان را منحل نموده و فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع اعلام می‌کند، فعالیت اتحادیه‌های کارگری را شدیداً محدود می‌نماید و عناصر کمونیست و انقلابی این اتحادیه‌ها را عموماً در می‌کند، جاماسقی رهبر حزب کمونیست پاکستان و جمعی دیگر از زینل‌آبادی‌ها را نیز در میان رهبران سیاسی کشور با اسارتگاه‌ها می‌فرستد و بدین ترتیب مهرپایان بر بقای آزاد دیه‌های نیم‌بند بورژوازی می‌زند و رسالت نجات پاکستان از چنبره بحران عمیق اقتصادی و سیاسی را سرلوحه اهداف کودتا معرفی می‌نماید.

اما بی‌شک ژنرال ضیاء الحق در یک نقطه همتاهای کودتاچی اش در اقصی نقاط جهان تفاوت داشته است و آن اینکه او در کناره‌ها رت حل "هرج و مرج" و بحران، شعار اسلامی کردن جامعه پاکستان را نیز سر می‌دهد و از این طریق با تحمیل عقب مانده‌ترین لایه‌های سنتی جامعه و تحکیم نقاب سبزه‌فام اسلام، خود را رهبری اسلامی جلوه‌گر می‌سازد که عاری از هرگونه تمايلات منفعتم طلبانه و چاگری نزد بیگانگان از خدا بی‌خبر است. در همین راستا او رسماً پاکستان را جمهوری اسلامی معرفی می‌کند و گام‌هایی جهت اجرای با نكداري اسلامی و سیستم قضایی اسلامی بر می‌دارد. او با همبستن اقدامات تحمیلی گرانه توانست بخش قابل توجهی از توده‌های مردم را دچار بی‌تفاوتی سیاسی نماید و تا حدودی از باطن دبحران سیاسی و "هرج و مرج" بکا هد، او در پس همین نقاب اسلام‌نمایی بود که بعداً زسرنگونی داد و در خان در افغانستان و بقدرت رسیدن حزب دمکراتیک خلق به استوارترین و مهمترین متحدان انقلابیون افغانی تبدیل می‌شود. تا آنجا که می‌توان ادعا نمود در صورت عدم مساعدت رژیم ضیاء الحق به مجاهدین افغانی و عدم اختتام راهروگانهای نظامی و آموزشی به آنها در پشاور، هیچگاه این مزدوران امپریالیسم فاساد نبودند چنانچه شرکت‌های گنند و موجودیت رژیم شرقی-خوفا افغانستان را به مغاظره اندازند.

حوادث و تحولات افغانستان نیز آمریکا و سایر متحدان را هرچه بیشتر متقاعد نمود که رژیم ضیاء آبی مهره و فاداری است که می‌توانند جاسوسی

"توسعه طلبی شوروی" (بخوان گسترش انقلابات) در منطقه را بگیرد. از اینرو سبیل کمک‌های میلیاردری و انواع کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان سرازیر می‌شود. سبیل کمکهای ارتجاع جهانی به مجاهدین افغانی نیز از طریق پاکستان عمده‌ها - بین آنان توزیع می‌شده که با عملاً عموماً در اختیار ائتلاف هفت‌گانه مستقر در پشاور (خصوصاً حزب اسلامی گلبدین حکمتیار) قرار می‌گرفت که این خود منبع فساد و ارتشاه عظیمی بود که تنها امرای ارتش پاکستان و دارو دسته حول وحوش ضیاء الحق از آن سود می‌جستند.

روند اسلامی کردن در پاکستان جزئی از استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه است که توسط کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا چنین فرموله شده است: "کشیدن کمربند سبز به دور غول سرخ" و منظور از آن همانا محاصره اتحاد شوروی با یکسری از کشورهای اسلامی است که علاوه بر سرما به گذاری بر جمهوریهای "مسلمان" شوروی می‌باید جنبه "خدا" را در مقابل غول کافر سا زمان دهد.

وژنرال ضیاء دقیقاً باین نگرانی استراتژی ارتجاعی می‌شود. البته نباید مدعی شد که روند اسلام‌گرایی ضیاء الحق صرفاً با هدف فریب توده‌ها صورت می‌گرفت چنین نیست. او به این مسئله عمیقاً اعتقاد داشت و تنها قضا نبایدم بین خدمت‌گذاری او به امپریالیسم و اسلامی کردن حیات اجتماعی پاکستان جستجو نمود. چرا که از نقطه نظر اصولی اسلام، سنت‌گرایی و "بشپنا دگرایی" اسلامی می‌تواند بدینولوژی بخشی از بورژوازی محسوب شود و با درست تر توسط این بورژوازی مستورد استفاده قرار گیرد. مجاهدین افغان و فقه‌های شورای نگهبان (ایران) تنها نمونه‌هایی از این مدعا هستند.

رژیم ضیاء الحق پس از تشبیه نسبی اوضاع (همچون متحد دیگرش در پیمان آ. ر. سی. دی یعنی ترکیه) اعلام می‌کند که در صد برچیدن حکومت نظامی، سپردن قدرت بدست یک دولت غیر نظامی و فراخواندن پارلمان است. و این اقدامات را به تدریج عملی می‌کند مشروط به اینکه اولاً کابینه و پارلمان از سیاستهای او پیروی کنند و ثانیاً روند اسلامی کردن جامعه تداوم یابد. در این راستا خود بر مسند پست ریاست جمهوری تکیه می‌زند و جوینجو رهبر حزب "مسلم لیگ" را به مقام نخست وزیر منصوب می‌کند. در دوران زمانمداری دولت جوینجو، جوخفقانی و استبدادی حاکم بر کشور کم رنگ می‌شود. اکثریت رهبران احزاب سیاسی از جمله جام ساقی آزاد می‌شوند، بی نظیر بوتو (دختر ذوالفقار علی بوتو رهبر حزب مردم پاکستان) از تبعید انگلیس به پاکستان مراجعت می‌کند، و برخاسته از ادبیات دمکراتیک بصورت نیم‌بند احیا می‌شود. یکی از دلایل این "فضای باز سیاسی" با ج دهی به مردمی بود که از حضور فدا انقلابیون افغانی در خاک پاکستان و حمایت همه جانبه دولت از آنها به تنگ آمده بودند و اینجاست که فدا و نجابت‌های خود را

ابراز می‌دا شدند. ضمن اینکه فشار آمریکا بر رژیم پاکستان منبئی بر ضرورت کاهش جنبه قهری حکومت (جهت جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبش توده‌ای) را نیز با بدیه عنوان یکی از عوامل مهم ذکر نمود. در این میان "جنبش اعا ده دمکراسی" که تقریباً اکثریت احزاب مهم مخالف دولت را در بر می‌گیرد و نیروی عمده آن حزب مردم پاکستان (P.P.P) می‌باشد، با افشاگریهای مداوم خویش، چهره رژیم ضیاء را بعنوان یک حکومت نظامی در نظر بین المللی افشاء می‌نمود و تا حدودی فشار بین المللی را بر حکومت ضیاء جهت پایان دادن به حالت فوق العاده تشدید می‌کرد. این روند عادی سازی در سالهای اخیر خصلت جهانی پیدا کرده و هم اکنون بسیاری از حکومت‌های نظامی آسیا و آمریکا را لاتین بسوی استقرار رژیم‌های غیر نظامی به پیش می‌روند. روندی که نمونه آنرا می‌توان در ترکیه و تا حدودی کره جنوبی مشاهده نمود که محصول ارزیابی جدید امپریالیسم برای نجات رژیم‌های وابسته از "خطرات احتمالی" می‌باشد.

به هر حال این قرعه در پاکستان بنا به حزب مسلم لیگ در آمدتاپلی با شد جهت انتقال حکومت نظامی به یک رژیم غیر نظامی. وقتی این ما موریت کذایی بسر رسید، جناح ژنرال ضیاء فیلش یاسد هندوستان می‌کند و به بهانه پیش رفتن سیاست اسلامی کردن جامعه و عدم پایان یافتن درگیری‌های قومی (خصوصاً در کراچی مابین مهاجرین و پختونها) محمدخان جوینجو رهبر مسلم لیگ را از پست نخست وزیر بر می‌کشد (اواسط همین سال میلادی) و با اعلام برگزاری انتخابات مجلس ملی طی ۹۰ روز آینده و تا یکدم جدید بر اسلامی کردن تمام شئون جامعه، با ردیگر قدر قدرتی خود را که از نفس گرم ارتش بر می‌خیزد، به معرض نمایش گذاشت.

البته برکناری جوینجو بعنوان سازمان دهنده معاهده صلح ژنودر رابطه با حل مسئله افغانستان، ظاهراً منجر به پس گرفته شدن این پیمان توسط ژنرال ضیاء نشده بود، چرا که او بفهمی واقف بود که یکی از عوامل تشدید بحران اقتصادی و سیاسی پاکستان همانا حضور ۲/۵ میلیون آواره افغانی در خاک این کشور می‌باشد. ضمن اینکه توده‌های زجر کشیده پاکستانی خواهان خاتمه همکاری و مساعدت به مجاهدین افغانی هستند. از این رو اصلاح رادار این می‌دید که فاشل افغانستان هرچه زودتر پایان پذیرد، هر چند اعتقاد داشت که این امر تنها با خروج نیروهای شوروی و به زیر کشیده شدن حزب دمکراتیک خلق امکان پذیر است.

به هر جهت ژنرال ضیاء این مهره حسابی ارتجاع جهانی که اکنون به دیار رنجستی روانه گردیده پاکستان را عملاً بر سر یک دوراهی تعیین کننده قرار داده است. یا ارتش برای تشبیه اوضاع تا بسا مان اقتصادی و سیاسی وارد کارزار خواهد شد و بشپه در صفحه ۴

سنون آزاد

نقد تئاتر

اجرائی زیبا از يك اثر برشت

اجرا : توسط گروه تئاتر "ارک" در شهر کلن آلمان
کارگردان : یعقوب شکوری

"این کافی نیست که از تارتنتها معرفت و تما و بر فراوانی از واقعیت طلبیده شود، تئاتر با پیشور معرفت را در انسان بیدار و شوق تغییر واقعیت را در او ایجاد کند، تما شاگردان نباشد تنها شوند با شنیدن و بشوند که چگونه پرومته از بند آزادی می‌گردد، آنان با پیشورها نباید او را بیاموزند، این شور و شوقها بی که مختص مخترا ن و کاشان و این احساس نیرومندی که از آن منجیان است با پیدا ز طرف تا تربیه آنها تعلیم داده شود."

برشت

نمایشنامه "آنکه گفت آری و آنکه گفت نه" در اصل دو نمایشنامه از نمایشنامه‌های آموزشی برشت است که در سال ۳۰-۱۹۲۹ یعنی در بحبوحه بحرانهای جهانی سرمایه‌داری از یک طرف و رشد روزافزون اندیشه‌های سوسیالیسم که آن زمان استالین هدایتگر آن بود، نوشته شده است. این نمایشنامه برداشتی است از شیوه‌های تاتری آسیا (ژاپن و چین) که اساس سبک برشت را پی می‌ریزند و توسط او "نو" می‌گردند و به "تاترنو" مشهور می‌شود. تاتری که همه چیز آن نسبت به تاترهای قبلی فرق می‌کند. همه چیز آن عجیب است و برای انسان بیگانه و غریب، "بیگانگی" و "غرابت" (۱) صفت مشخصه‌ای است از کارهای برشت. صحنه خالی است به جای دکور بزرگ و ده‌ای استفاده شده که تما شاگرد می‌توانند احساس کنند آنچه است، لباس و کوسن آن نیستند که در نمایشهای قبلی وجود داشتند و حاد شده نیز بدان صورت اتفاق نمی‌افتد که در نمایشهای گذشته. همه این "بیگانگی"ها ایجاد می‌گردد تا تما شاگرد در نمایش غرق نگردد، بلکه نظاره‌گر آن باشد و به نقد آن بنشیند.

موضوع نمایش: "آنکه گفت آری"

شهر کوچکی (این شهرها می‌تواند باشد) بیماری واگیری شیوع می‌یابد. در آن شهر کوهستان شهری دیگر وجود دارد که با دزها بیسن بیماری و همچنین اطلاعاتی در رابطه و مقابله با آن را در آنجا می‌توان یافت. رفتن و رسیدن به آن شهرکاری است خطرناک و دشوار. آموزگار با چند دانشجو تصمیم می‌گیرند که نمایش آموزشی که ما درش نیز بیما راست با امرا همراه آنان می‌رود. در راه نمایش آموزگار می‌گردد و از این رودرین روی جمع اغلال بوجود می‌آورد. طبق آئین مقدس "فرد باید هماغه ما نده، دیگران به راه خویش ادا می"

دهند. پس از تذکر این آئین به دانش آموز، او موافقت خویش را با آن اعلام می‌دارد و به تقاضای وی به تعهد در انداخته می‌شود و دیگران به راه خویش ادا می‌دهند. بدینسان نمایشنامه آنکه گفت آری پایان می‌پذیرد.

نمایشنامه دوم یعنی "آنکه گفت نه" در اصل همان نمایشنامه "آنکه گفت آری" است با این تفاوت که انگیزه سفر اینبار نه آوردن دارو برای بیماران، بلکه تحقیق در مورد بیماری است و آنگاه که دانش آموز در بین راه بیمار می‌گردد، همراهان "آئین مقدس" را به او یاد آوری می‌کنند، ولی او مخالفت خویش را با آن اعلام می‌کند و جواب می‌خواهد که چرا هر کس قدم اول را بردارد باید قدم دوم را نیز بردارد. بخصوص آنگاه که دریا بد قدم اول شبیه بوده است، و بدینوسیله او زهرها را نش می‌خواهد که "در شرایط تازه، فکرتا زهای باید بکنند" او را به خانه‌اش برگردانند.

اجرای نمایش: "گروه ارک" این نمایشنامه را به مدت دو شب در سالنی اجرا کرد که هیچگونه غرابتی با سالن نمایش نداشته. در ابتدای ورود، تما شاگردان را به خوبی احساس می‌کرد و تما قب آن فوراً این نکته به ذهن خطور می‌کند که "مکانات لازم پول کافی می‌خواهد". ولی این مسئله‌ای نیست که تما شاگردان با این نمایش بر آن انگشت گذارد. چرا که اولاً یکی از ویژگیهای تئاتر برشت، انطباق با محیط است. این محیط می‌تواند حتی خیابان و یا گوشه‌ای از یک کارگاه باشد. (حذف دکورهای سنگین و جایگزین کردن ابزارهایی که هر یک نشان از یک "قرارداد" دارد. "قرارداد"ی که تما شاگردان را درک و قبول می‌کند. چهارچوبی به جای در، میزی به نشان از کوه و ... در شانسی گروه با بازی فضای داخل به اصطلاح سالن توانسته بود این دیدار تا اندازه‌ای تنزل دهد. و تا در "قرارداد"های نمایش برشت چسرا مسئله سالن تا "قرارداد"ی نباشد؟ امری که صورت پذیرفت و تما شاگردان این "قرارداد" را راضی نگردید.

"غرابت" و یا "بیگانگی" در لباس، صحنه، حرکات و بخصوص ماسک‌ها را می‌توان گفت کارگردان در انجام آن موفق بوده است. این ابزار، این موفقیت را داشتند تا تما شاگردان در نمایش غرق نگرددند. او را بر موندلسی بنشانند تا نظاره‌گر باشد و ببیند و نتیجه بگیرد در اینکه چگونه با پیشور بردارد، چگونه با دیگران را گشود که از همان ابتدای نمایش، با همراستی اعلام می‌گردد. آموختن راه موافقت، عیبم استفا ده بیشتر از نور از ضعفها بی است که مسی -

آنکه گفت آری و آنکه گفت نه

نمایش
نوشته: برتولت برشت
کارگردان: یعقوب شکوری



مکان: Alfa Feuerweche
Mehrdad Studio 3 Film Bureau
زمان: ۲۸ و ۳۰ ژوئن (June) ساعت ۲۰
تورونیه: ۸۳۶ مارک

توانست اجرا را غنی تر گرداند. استفاده از موزیک زنده در طول نمایش بجا و لازم بود ولی تنوع آن می‌توانست تا شریبیشتری بجای گذارد. گروه می‌توانست در کنار موسیقی زنده، از طریق ضبط، از نوازهای دیگر نیز استفاده کند. هر چند نوازنده (آلمانی) زحمت بسیار کشیده بود. بخصوص آنگاه که همسراییها اکثر رنگ‌ها را از آنجا داشت. قابل ذکر است که در همین زمینه موسیقی همخوانی از تنظیم زیبایی برخوردار بود. تا بلوهای بی که به جای کوه و آسمان قرارداد شده بودند، برداخت خوبی داشتند و استفاده از ماسک در "بیگانگی" تا شریبیشتی داشت. از چند شبیه کوچک حبسن بازی که قابل گذشت است و بگذریم، تسلط بازیگران بر نقش حکایت از تمرین زیاد آنان و زحمتی بود که در این راه متحمل شده بودند. حرکات زیبای آموزگار، بخصوص در حین تغییر نقشها جالب بود. در آمیختن و استفاده از استعاره‌های حرکتی و "قرارداد"هایی که رنگ و بوی فرهنگ ایرانی داشت، نمایش را جذابتر کرده بود. به نظر می‌رسد که اگر کارگردان در این زمینه بیشتر کار کند و تلفیقهای بیشتری کشف نماید می‌تواند در کار خویش موفق‌تر گردد. لازم است بینکار بر بررسی عمیقتر و همه‌جانبه‌تر در هنر کلاسیک و فلکولوریک ایران است. ترجمه زیبای همسراییها از دکتر معطفی رحیمی را نیز نباید در این اجرا از نظر دور داشت. در کل می‌توان گفت گروه اجرایی موفق و زیبا را شده است.

برگزاری جلسه نقد و بررسی نمایش از سنتهای به جا و خوبی است که در پایان نمایش گروه به آن اقدام نمود. این سنت را با بدزنده نگه داشته، بسط داد. مسئله آخری که شاید برای خیلی از تماشاگران مطرح شده باشد، انتخاب نمایشنامه است. برشت سعی دارد در نمایشنامه‌های خویش وقایع زمان را مجسم کند و از این طریق آثارش به عنوان

ادامه از صفحه ۴

هرگز ژنرال ضیاء . . .

مجددا قدرت سیاسی را بنا می‌جوید از بروز هرج و مرج صرف خواهند نمود، و با بالعکس روند و فاع به گونه‌ای پیش رود که یک حکومت پارلمانی بورژوازی (با تعهد نسبی به رعایت آزادیهای دموکراتیک) بسرکار آید. هم‌اکنون "غلام‌سحاق خان" رئیس مجلس سنا، رهبری موقت رژیم را در دست گرفته است. این شخص جزو راست‌ترین جناح‌های مجلس سنا محسوب می‌شود و قبلا در حکومت بوتو، پست وزارت دارایی را عهده‌دار بوده است. (گفته می‌شود که او در همان زمان روابط مخفیانه و مشکوکی با ژنرال ضیاء داشته است). در صورت تحقق شق دوم باید دید که چه چیزی عملا شانس آنرا در درگاه سلطنتی جلب نماید. آمریکا و ارتش پاکستان زمان ما مور را در دست گیرد.

بی شک در سرزمین اختلافات ملی و مذهبی، و در سایه حضور و نفوذ احزاب سیاسی ریز و درشت، هنوز حزبی را نمی‌توان سراغ گرفت که بتواند سلطه بلامنافعی خویش را بر حیات سیاسی کشور اعمال کند. اما به هر حال "حزب مردم" خانم بینظیر بوتو را شاید بتوان برنده اصلی دانست. این حزب بی‌انگرمنافع بورژوازی لیبرال‌ها می‌باشد که البته شعارهای پراگماتیستی و به ظاهر انقلابی را نیز با خود یک می‌کشد. هم‌اکنون بخشی از محافل غربی بر روی بینظیر بوتو بعنوان کینوی پاکستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. و خود را و نیز دولت پاکستان را پیش در اروپا ست و تلاش زیاد برای مبدول می‌دارند تا خود را بعنوان یک دوست قابل اعتماد، به آمریکا بقبولانند.

سایر احزاب سیاسی را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱- احزاب گوناگون اسلامی: که عبارتند از حزب جماعت اسلامی - مسلم لیگ جمعیت طلباء اسلام - جنبش فقه جعفری (که با جمهوری اسلامی ایران مرتبط است و رهبران اخیرا در پیش و رتور شده است) - حزب علمای پاکستان - سازمان محصلین اما می‌ماند سازمان سواد عظیم . . .

همگی این جریان‌ها ارتجاعی می‌باشند و از اسلام آمریکا می‌توانند به‌دراستی پان‌اسلامیستی را یاد می‌کنند. این احزاب اگر چه بر پایه‌های مذهبی مردم تکیه دارند و تا حدودی نقش مخسرب دارند اما در حیات سیاسی کنونی پاکستان و زنده‌سازی آنها را نمی‌بینند.

۲- احزاب لیبرال و لیبرال - دمکرات: که شامل احزابی همچون حزب استقلال پاکستان (به رهبری فرمانده سابق نیروی هوایی که روابط حسنه‌ای نیز با دولت افغانستان دارد) - حزب عوامی ملی (به رهبری ولی خان که عمدتاً شامل پختون‌ها است و با دولت افغانستان روابط نزدیکی دارد) - حزب ملی (به رهبری بیژن‌نخست‌وزیر

یک هنر، نبض زمان خویش است. پس از تماشای آنکه گفت‌واری و آنکه گفت‌نه" برای شما شاگرد سؤالات زیادی مطرح می‌شود که ما مجبوراً است تا در جوابش به ذهن خویش فشار آورده و بلی آبا این سؤالات در این شرایط "نبض زمان" و جنبش ما ست؟ برای پاره‌ای از غار نشینان شاید ولی طبیعی است نه برای همه در کل، انتخاب نمائید به مسئله‌ای است قابل بحث.

سخنی و دردناکی دوستانه در پایان

هنر را رسالتی است و هنرمند متعهد را وظیفه‌ای. هنر و هنرمند از ده زمان و شرایطی هستند که در آن می‌زیزند. دردی که ما امروز به عنوان ما جر می‌کشیم، دردی است که برشت چهل، پنجاه سال پیش متحمل آن بود، و نیز ما جری بود که نمی‌خواست به‌یژه شود و زین روقلمش را بر علیه چاق زمان، یعنی فاشیسم بدست گرفته بود. طبیعی است که او از هنرمند پیر و خویش و همفکرش انتظار دارد که او نیز چون او چنین کند.

در کشور ما دیوچه‌ها و نادانی، خرافه و ارتجاع حکومت می‌کنند. رژیم‌های که در بسیاری از ابعاد همان فاشیسم هیتلری است. فاشیسمی که اینبار علاوه بر همه، در لباس ارتجاع مذهبی عرض اندام می‌نماید. بسیاری از هنرمندان کشور تنگ‌بینانه مهاجرت داده‌اند و عملاً هنوز نتوانسته‌اند خود را و جایگاه خویش را به عنوان هنرمند متعهد و وظیفه‌ای که در شرایط جدید باید داشته باشد، با زبانی هنرداخل کشور نیز درغل و زنجیر است و بی‌هنران انواع بنجل‌ها را به جای هنر به مردم قالب می‌کنند و عملاً هنرمندان را ختیار گذاشتن هنر خویش در خدمت خلق محروم است. هنر به زور خود را با پای خلق، برای کسب آزادی و سعادت پیش می‌برد و در این راه با مشکلات عدیده‌ای دست‌گیر می‌گردد.

در محیط عصبی و بفرنجی که رژیم خلق کرده و هنرمندان با آن مواجه‌اند، کار هنری دشوار است. هر چند هنر در هر شرایطی ابزار و وسایل لازم را برای حضور خویش پیدا می‌کند ولی این کافی نیست. رژیم جمهوری اسلامی با تکیه بر نهادهای حکومتی خویش سعی در جذب روشنفکران، نویسندگان و روشنفکران هنری دارد. کاری که ابتدا از آن وحشت داشت ولی کم‌کم در این زمینه حتی شوقی‌هایی نیز بدست آورده است. او می‌خواهد هنرمندان ستایشگران وی باشند. در غیر این صورت چه بهتر که خاموش گردند. کجا؟ این دیگر بستگی به هنرمند دارد. کج‌خانه‌ها چهار دیواری زندان، بهر حال مهر سکوت بر لب‌ها نشسته‌اند و نتوانند از قدرت آفرینشگری و تجویزگریش استفا ده‌کنند. یا قبول بندگی و پذیرش زندگی آرا موراحت با خلق آثار با بطنی و بی‌غفل و زنجیر و تازیانه. و اینجا است که وظیفه "هنرمند ماجر" مشخص می‌گردد. هنر در این عرصه و در این زمان با تاریخ و جنبش کشور ما هم‌اوا زوهم مضمون است. "هنرمند بقیه در صفحه ۸

اسبق حکومت خودمختار بلوچستان، این حزب عمدتاً در میان بلوچها با یگانگه‌ها در وضعنا روابط خوبی نیز با اردوگانه‌ها و سوسا لیزم و دولت افغانستان دارد.

علاوه بر این سه حزب باید از "جنبش قوم مهاجر" نیز نام برد که عمدتاً در میان اقلیت مهاجر (بیشتر شیخه) با یگانگه‌ها در دو بیشترین انرژی آن صرف در گیری با پختون‌ها در کراچی می‌شود. این سازمان ارتجاعی توسط الطاف حسین رهبری می‌شود که گفته می‌شود روابط مشکوکی با پلیس مخفی پاکستان و سازمان سنا دارد.

۳- احزاب و سازمانهای چپ و انقلابی: متأسفانه نیروهای کمونیست و دمکرات انقلابی در پاکستان از یک محدودیت تاریخی رنج می‌برند و هیچگاه در محنه سیاسی کشور و زنده‌سازی نمی‌توانند. نفوذ این سازمانها را عمدتاً باید به بلوچستان و برخی اتحادیه‌های کارگری خلاصه نمود.

حزب کمونیست پاکستان - سازمان محصلین بلوچ BSO (که اخیراً به دو جناح منشعب شده است و پرنفوذترین نیروی انقلابی و سیاسی بلوچستان محسوب می‌شود) - فدراسیون ملی محصلین فدراسیون دمکراتیک دانشجویان - سازمان آزادبخش بلوچستان (به رهبری منگل که شعار استقلال بلوچستان را سر می‌دهد) - جنبش آزادبخش بلوچ (به رهبری خیر بخش مری) . . . از جمله این سازمانها محسوب می‌شوند که با توجه به بحران اخیر حزب کمونیست و انشعاب در BSO بهترین می‌توانند به ضعف و ناتوانی آنها در دهانیت روندهای انقلابی و سازماندهی کارگران و زحمتکشان بی‌برود، نیروهای انقلابی تنها در االت بلوچستان است که می‌توانند قدرت خویش را به نمایش گذارند و مانع از ترکنازی احزاب ارتجاعی و لیبرال شوند. حتی حزب کمونیست نیز عمدتاً در االت سند (که مرکز آن کراچی می‌باشد) حضور و فعالیت محدود دارد. با این وجود این حزب حتی در کراچی نیز بعنوان مهمترین صنعتی ترین شهر پاکستان، و زنده‌چندان محسوب نمی‌شود. بعنوان مثال جاما قی رهبران حزب در بهترین حالت توانست در یک اجتماع دوهزار نفره در محله بلوچ نشین لیاری در کراچی سخنرانی کند. اما در صورت کمونیستها و عموم نیروهای انقلابی پاکستان موظفند که با انسجام بخشیدن به مسووف خویش، باظرفکراشات و انحزافات راست‌روانسه و سکتاریستی، با گسترش نفوذ خویش در میان کارگران و زحمتکشان، اوضاع حساس کنونی را دریا بند و خود را از همین امروز برای نبردهای سرنوشت‌ساز آماده‌کنند. بی‌شک در سایه این تلاش، پیروزی از آن‌ها خواهد بود. ●

با پیام کارگر همکاری کنید!

«اقلیت علیه آزادیهای بی قید و شرط سیاسی»

نشریه کارگران ساجخا - (اقلیت) - در شماره ۲۲۳ خود نقدی بر شعرا آزادی بی قید و شرط سیاسی مطروحه از سوی سازمان ما را منتشر کرده است که از نظر در برداشتن همه استدلالات رایج سوسیالیسم خلقی در تئوریزه کردن ناتوانی این "سوسیالیسم" در عدم دفاع از دموکراسی سیاسی بطور اخص و برنا مه حداقل پرولتاریا بطور عام، خواندنی است.

نویسنده مقاله، "راهکارگر" را متهم می کند که با آوردن "لفاظ کلی در باره دموکراسی، آزادی و غیره بی آنکه مضمون طبقاتی این کلمات روشن شود" تنها مفاهیم بورژوازی را تکرار کرده است! آنگاه ذکر می - شود که با افزودن صفت "نامحدود" بر دموکراسی، هیچ تمایزی بین دموکراسی بورژوازی و توده ای توسط ما نهاد نمی شود و پرسش مهم "دموکراسی برای چه طبقه ای؟" بی پاسخ می ماند!!

سپس نویسنده عا مدام ضمن قاطی کردن مفاهیم "دموکراسی عام" دموکراسی خالص، و دموکراسی ناب با آزادی های بی قید و شرط سیاسی برای اینکه انصراف قطعی خود را از دفاع از هرگونه آزادیهای بورژوا دموکراتیک اعلام کرده و خوا ننده را از هر جهت مطمئن سازد، تئوری درختانی بدین شرح طراحی می کند که: "دوران دموکراسی بورژوازی که از جانب ستایشگران آن، "دموکراسی عام"، "دموکراسی ناب، دموکراسی خالص و غیره ذالک نیز خوانده شده است مدت ها است که به سر آمده است، هما نظور که عصرها رلمانا ریسیم بورژوازی نیز به پایان رسیده است." (کار ۲۲۳ - صفحه ۱۱۰ و ۱۱۱)

ما تصور نمی کنیم که تکرار اینکه کمونیست ها از دموکراسی بورژوازی (آری بورژوازی!) و از همه مطالبات حداقل خود (که تنها ما بورژوازی هستند) در مقابل استبداد دوا شکل عقب مانده، "حاکمیت بورژوازی" قاطعانه دفاع می کنند، مشکلی را از پوپولیست مغشوش ماحل کند، زیرا ناتوانی پوپولیسم ما را در این است که حتی اگر تصور روشنی از دموکراسی توده ای و دموکراسی پرولتاری نیز داشته باشد، هیچگاه نمی تواند درک کند که مطالبات بورژوازی - دموکراتیک می تواند در تحقق این دموکراسی عالی تر را بگشاید. برای پوپولیست ها، تنها محدودیت ها و مابعدیت ها و مطالبات بورژوازی مهم است و نه کارکرد مشخص مطالبات دموکراتیک در انکشاف مبارزه طبقاتی و به همین دلیل اینا ن برای سرپوش نهادن بر ناتوانی خود در دفاع از دموکراسی در مذمت پارلمانا ریسیم و مابعدیت عوام فریبانه دموکراسی بورژوازی در مقابل بسیار دیکتاتوری پرولتاریا به عنوان شکل عالی تر دموکراسی قلم فرسائی می کنند. این تلاش نویسنده پوپولیست ما، اما بخوبی نشان می دهد که آنها چقدر از درک لنین در مورد مطالبات برنا مه حداقل فاصله دارند. لنینیزم برخلاف پوپولیست ها، مبارزه برای مطالبات بورژوازی - دموکراتیک را از سوی طبقه کارگر، مبارزه برای استقرا جمهوری پارلمانی نمی داند، بلکه برعکس با تکیه بر آزادیهای نامحدود سیاسی مطالبات حداقل و با تفکیک دقیق این مطالبات از درخواستهای انتقالی و سوسیالیستی بر ضرورت استفا ده موثر از سلطه آزادیهای سیاسی و امکانات دموکراتیک جامعه بورژوازی، برای ابرافکندن بنیان این جامعه انگشت می گذارد. بنا بر این لنینیزم در عین دفاع پیگیر از مطالبات بورژوازی، نمی خواهد که در جمهوری پارلمانا ریسیم متوقف شود، بلکه می خواهد اولانبروی هر چه پیشتری را بر علیه استبداد دونا پیگیری و خیانته بورژوازی به دموکراسی بسیج کند و نا نیا مشکل ترو سازمان یافته تر به آدامه نبرد برای سوسیالیسم بپیردازد. در رابطه با همین موضوع و پاسخ به کمنا نی که دفاع از آزادی های بورژوازی را در مقابل سوسیالیسم می انگاشتنند لنین می گفت: اشتباهی اساسی است اگر فکر کنیم مبارزه برای دموکراسی ممکن است نظر پرولتاریا را از انقلاب سوسیالیستی منحرف سازد و یا آنرا در پرده و تحت الشعاع قرار دهد. برعکس، هما نظور که سوسیالیسم پیروزمند بدون اجرای دموکراسی کامل ممکن نیست، هما نظور هم پرولتاریا نخواهد

توانست بدون اجرای مبارزه همه جانبه و پیگیر انقلابی برای دموکراسی پیروزی پرورژوازی را تدارک ببیند. (کلیات به زبان روسی جلد ۲۷ صفحه ۲۵۳). بدلیل همین وابستگی متقابل دموکراسی و سوسیالیسم بود که خواست آزادی بی قید و شرط سیاسی یکی از بندهای مهم برنا مه حزب بلشویک روسیه را تشکیل می داد. حتی متن اصلاح شده برنا مه دموکراسی بلشویکها مصوب تا بهستان ۱۹۱۷ یعنی کمی قبل از انقلاب سوسیالیستی اکتبر، ضمن بیان مریح اهداف حزب یعنی یک جمهوری دموکراتیک تر (و سپس سوسیالیسم)، کلیه مطالبات بورژوا دموکراتیک و از جمله: آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، عتصابات، تشکل، به روشنی فرموله شده اند. (ب) تدوین کنندگان برنا مه فوق هیچگونه توهمی در مورد مابعدیت مطالبات فوق نداشتند، و برخلاف پوپولیست ها با به علمی و ضرورت حیاتی سیاسی و عملی دفاع قاطع از کلیه مطالبات فوق را در آستانه انقلاب سوسیالیستی بخوبی درک می کردند، چرا که برخلاف فرقه های پوپولیست، بلشویسم می آموزد که برای رسیدن به جمهوری دموکراتیک تر کارگران و دهقانان و برای سوسیالیسم به مثابه نتیجه اقدام آگاهانه توده های کارگر و زحمتکش، قبل از هر چیز لازم است که مناسب ترین شرایط برای ایجاد صف بندی طبقاتی بوجود آید و از آن دفاع گردد. طبق این آموزش برای پشت سر گذاشتن تحولات بورژوازی - دموکراتیک و انکشاف مبارزه طبقاتی مطالبه دموکراسی نامحدود نقش کلیدی دارد. بنا بر این دفاع از دموکراسی به عنوان مناسب ترین شرایط برای شکل دادن به نیروی مبارزه برای جمهوری دموکراتیک تر را ادا می خواهد داد، یعنی سازماندهی پرولتاریا، زمین تا آسمان با لیبرالیسم که سازش طبقاتی را جای مبارزه طبقاتی می گذارد و فرقی در دایره این نکته را اما پوپولیست های فسیل شده ما در نمی بیند زیرا نمی تواند نند تما یزی بین لیبرالیسم بورژوازی و مطالبات حداقل برنا مه طبقه کارگر قاطعاً شل شوند و بنا بر این در مقابل صفت "نامحدود" و "بی قید و شرط" حاج و واج می ماند و آنرا تلاش برای پنهان نمودن مابعدیت لیبرالیسم بورژوازی قلمداد می کنند. از نظر پوپولیسم طبقه کارگر بنا بر اید اصلاح دموکراسی سیاسی برای ثقیوت و تحکیم موقعیت خود استفا ده کند، زیرا این سلاح از سوی لیبرالهای بورژوازی علیه مستبدین بورژوازی به کار می رود و ما هیتی بورژوازی دارد!

انقلاب بهمین فرصت خوبی برای آزمودن سنگ نظری پوپولیست ها و نا پیگیری شان در زمینه دموکراسی فرا هم کرد. از این رورجوع کوتاهی به نتایج عملی و سیاسی موضع این جریان مفید است. قاطعانه، تعرضات قدم به قدم استبداد ولایت فقیه به دستاوردهای انقلاب بهمین و از جمله دموکراسی نیم بند تحمیل شده به رژیم فقها را باید ادا ریم. موضع پوپولیسم در مورد تعرض به آزادیهای سیاسی چه بود؟ چه پوپولیست در مورد تعطیل روزنامه آئیندگان و پینام، مرز و نیز سازمانها و انتشارات اوزبکیون به چه دلیل فلج شد و دفاع از آزادی را به بنی صدر و لیبرالها وا گذاشت؟ به این دلیل که این "چه"، آزادی را فقط برای احزاب انقلابی و خلقی می خواست و از این نظر به لحاظ منطق با رژیم اسلامی حزب توده که آزادی را فقط برای طرفداران انقلاب اسلامی می خواستند فرقی نداشت! پوپولیسم را دیگال نمی توانست بفهمد که پس از محاکمات یک دقیقه ای ژنرالهای مزدور ارتش شاه، نوبت محاکمات یک دقیقه ای انقلابیون در سراسر ایران خواهد رسید و پس از گدما لشدن خواست تشکیل مجلس موسسان توسط رژیم فقها و با همدستی بورژوازی لیبرال، مجلس خیرگان بنا ی استبداد را تحکیم خوا هذکرد، در یک کلام چه انقلابی با دلائلی متا به دلائل نویسنده نشریه کارگران اهمیت شرایط نیمه دموکراتیک برای پرورش سیاسی توده ها و سازماندهی توده ای آنها و ضرورت تشدید مبارزه برای کلیه خواسته های دموکراتیک به عنوان شرایط لازم برای گردآوری نیرو برای مقابله با ضد انقلاب حاکم را در شرایط و با بی خردی کم نظیری نظر رهگرتیز شدن کار در ارتجاع برای بریده شدن انقلابیون شد. امروزه تنها کسی که با قند شها مت سیاسی برای پذیرش خطای خود است می تواند دفاع از آزادیهای سیاسی را معادل دفاع از لیبرالیسم قلمداد کند و به خود مدال نیروی پیگیر بقیه در صفحه ۱۳

سنون آزاد

قسمت دوم

نکاتی درباره اهمیت پاولوف گرائی و روانشناسی اجتماعی

"تئوری بازتاب های شرطی" که بیسان قوانین فعالیت های عالی عصبی را نیز دربر می گیرد و آزمایش های معروف به "آزمایش های سگ پاولوف" (۱) پایه های دستیابی به این تئوری را بنا نهادند، دواصل زیربنای پاسخ به چگونگی پیدایش، شکل گیری و تکامل پدیده های روانی را روشن کرده اند.

الف - فعالیت های روانی انسان یکی از کارکردهای مغز در رابطه تنگ تنگ با محیط می باشد (اساس ما تریالیسم).

ب - فعالیت های روانی انسان بازتاب واقعیت عینی در ذهن است (اساس تئوری ما تریالیستی شناخت).

دستاورد های کوشش تاریخی پاولوف نشان داد که در پیدایش، شکل گیری و تکامل پدیده های روانی حیوانات عالی و انسان دواصل مهم "مغز و محیط" نقشی اساسی دارند و در انسان شامل پدیده های روانی (و شعور انسانی) را تا اثرات ناشی از جهان عینی - طبیعت و جامعه و از طریق دستگا های حسی بر مغز پدید می آورند. بعبارت دیگر، ماده جاودانه پس از میلیاردها سال تکامل، عماره تکامل یافته اش در ترکیب خاصی که بنیاد پیچیده و سازمان یافته است، تبلور می یابد. این عماره میلیاردها سال تکامل ماده "مغز انسان" نام دارد. مغز انسان زمین و شامل پدیده تمدن محصول است که روان (روح، شعور و جهان ذهنی انسان) نام می گیرد. بنابراین محصول بازتاب های واقعیت عینی در مغز می نشاند، بازتاب های که ناشی از تحریکات محیط مادی انسان، بیویژه طبیعت و جامعه می باشد.

تئوری بازتاب های شرطی، نشانگر نقش شاملوده ای بازتاب (انعکاس) در فعالیت های عالی عصبی است، فعالیت ها که در خلال اعصاب و از راه توسعه و تطبیق با شرایط معین تکامل یافته اند، بازتاب که مفهومی فیزیولوژیسیک قلمداد می شود، توسط پاولوف و بسیاری زدان ششده ان به قلمرو روانشناسی آورده شد و در این قلمرو نقشی اساسی در پایه گذاری روانشناسی علمی باری کرد. بازتاب (انعکاس)، بعنوان خاصیت ماده بی جان و جاندار، همراه با تکامل ماده، تکامل کیفی یافت و در موجودات جاندار پیچیده تر شد. پیچیده ترین و تکامل یافته ترین نوع بازتاب ها مغز انسان در مقابل محرک های محیط نشان می دهد، شعور انسانی (آگاهی و خود آگاهی) عالی ترین

شکل بازتاب و اقمیت و حاصل تکامل طولانی جماعی است، که خود نیز از مجموعه ای از بازتاب های ساده تشکیل می گردد.

تجلی بازتاب - حتی بازتاب های غیر شرطی بعنوان آن شکل آزمائگری که موروثیست - که واکنش موجود زنده در مقابل محرک های گوناگون است، را به صورت سازش و تطبیق ناشی از تا شیر جهان عینی برنظام عصبی می توان دید و این خود اثبات این مسأله مهم است که "هیچ فعلی در موجود زنده خود بخود و بدون علت نیست" و پیچیده ترین پدیده های روانی را درجا رچوب "محرک و پاسخ" که سال ها در حصار جهل و تاریکی اندیشی بوده و هست، می توان تعیین کرد. کشف تئوری بازتاب های شرطی به معنی کشاندن پدیده های روانی و روح به آزمائشگاه و شناخت قوانین حاکم بر آن ها نیز هست، "روحي" که کلیسا با "زنداندارم" های ملبس به مسیحا " ما و راه همه چیز و غیر قابل مطالعه می دانستش، کلیسا در آن هنگام ما تما می قدرت شیطان را تسلیخ و ترویج می کرد که "روح مقوله ای است غیر قابل شناخت، روح آسمانی است و حاکم بر رفتار بشر و بهتر است برای شناخت آن بیهوده وقت خود را تلف نکنید"، اما پاولوف فریاد می کرد و بیاری تئوری بازتاب های شرطی را نیز نشان می داد که "روح همان واکنش های پیچیده مغز است، واکنش ها که منشأ آن ها محرک های گوناگون محیط است که از طریق حواس به مغز می رسند"، و در واقع بیان این نکته اساسی فلسفه ما تریالیسم دیا لکتیک، که روح بمعنای یک گوهر مستقل و مجزا از بدن وجود ندارد.

با انکاء به تئوری بازتاب های شرطی، چگونگی پیدایش، شکل گیری و تکامل پدیده های روانی و شعور انسانی، تا حدود زیادی شناخته تر شده است. این تئوری در کنار چگونگی تحول کیفی نظام تکلم انسان از دیدگاه انگلس، که به قول او تنها "کلی بیانی ها می درموردش صورت گرفته بود" نقش نظام تکلم یا "دومین دستگا و علائم و اقمیت (۲) را در چگونگی شکل گیری شعور انسانی بسا پاسخ نسبتا علمی نشان می دهد. این تئوری نشان می دهد که در رابطه با شکل گیری شعور انسانی "کلمات" نقش محرک ها را بازی می کنند و با توجه به ویژگی استثنائی قشر مغز انسان، بعنوان محصول کار اجتماعی و "جایگاه های تکلی و تجزیه و ترکیب انگیزه های بی شماری محیطی و ..."، این محرک ها پایه های تفکر بشری را می ریزند. دیدگاه ها و آزمائشات پاولوف در کنار اندیشگی انگلس در رابطه با تکامل انسان، نشان می دهد که چگونه بر شاملوده خرد آشنی "کار" قشر مغز تکامل یافته و همراه با پیدایش کلمات، اندیشه و شعور انسانی پدید می شود. اندیشه و شعور که با ما هیتی جماعی مغز انسان جایگاه پدیدار شدن است، اندیشه و شعور که بنیان آداب و هدمند و آگاهانه رفتار انسانی و شناخت او از جهان پیرامونش است.

(۱) آزمائش سگ پاولوف! آزمائش که چگونگی تشکیل بازتاب های شرطی در حیوانات عالی را نشان می دهد، به گونه ای آگاهانه از سوی تمامی رژیم های ارتجاعی، آزمائش سطحی و بی معنی قلمداد می شود. این رژیم ها با آگاهی برای اهمیت فلسفی و اجتماعی این آزمائش بظاهرا ساده، حتی در دانشگاهها بخش ناچیزی از بحث های روانشناسی و روان پزشکی و فلسفه را به آن اختصاص می دهند. بر خورد سیستم آموزشی رژیم شاه و رژیم قفقها نمونه گویا می باشد.

(۲) نخستین دستگا و علائم و اقمیت، نظام عصبی زیر قشری و تا متکا ملیست که در حیوانات عالی و انسان مشترک است و آن را "نظام حسی" نیز می نامند. اما در انسان دستگا دیگری که در بنا له تکامل یافته نخستین دستگا و علائم و اقمیت است، بوجود آمده است. این نظام جدید که بر پایه نظام اولیه تکوین یافت، نظام تکلم یا "دومین دستگا و علائم و اقمیت" است. آداب و اقمیت

آداب و اقمیت از يك

مهاجر با پندرجمنی را بدست گیر که رژیم می خواهد از جنگ هنرمند متهم در داخل کشور بدر آورده، تا بدوش گرداند، هنرمند متهم مهاجر می تواند حتی از دور با روکک هنرمندان داخل باشد و از دور در بیشتر به اهتزاز درآوردن این پرچم بکوشد. امروز خلق هر شهروندی در خارج از کشور، تنها از این زاویه و از این دید می تواند نقد قابل بررسی باشد. هنرمند تا چه حد موفق گشته خلق اثر خویش را با جنبش پیوند زندگان از این نظر است که می توان گفت نمايش آنکه گفت آری و آنکه گفت نه" انتخاب خوبی است، اما خوبترین انتخاب نیست، گروه ارکادو را لستی برای خویش قائل است، که هست، طبیعی است می تواند خالق آثار زنده ای در این زمینه باشد. این قابل قبول است که نمايشنا مع قابل اجرا در این عرصه کم داریم و در ارتباط با جنبش کشور ما، شاید املا نداریم ولی این دلیل نمی شود که نتوان خلقش کرد. این مشکلی نیست که نتوان بر آن چیره گشت، انتخاب نمايشنا مع حتی در چهار چوب زندگی مهاجرین (زندگی فکری و اجتماعی) می تواند در شرایط فعلی جالب و ماندنی باشد. کار بهرشت در این عرصه ها خود یک نمونه و الگوست: "گروه ارکا" چگونه می خواهد این مهم یعنی پیوند خویش با جنبش را مستحکم تر کند، این دیگر بستگی به او و کسارش دارد. در این راه با بتکا و لازم است، هنر را زیانهای گوناگونی است. زبان را تا آنکه که جان دارد، نمی توان هیچوقت و در هیچ شرایطی از گفتمن بازداشت. با آرزوی موفقیت برای "گروه ارکا".

سعدی - کلن
(۱) معادل آلمانی این کلمه Verfreumdung است که در زبان فارسی به غلط "فامله گذاری" ترجمه کرده اند. معادل صحیحتر آن می تواند باشد "بیگانه سازی" یا "فراغت" باشد.

روزی از تو، جنگ درگیره، در تانی - از درگیری داخلی غافل نباش، هنوز خیلی‌ها از خودیهای رژیم هستند که جنگ می‌خوان، طرف که سوسو بذاره زمین اینا به پست هم می‌زنند و مکان داره و وضع بدتریشه که بهتر نشه، جوان اولی گفت: با بابا این حرفها کدومه همه قول و قرارهای صلح گذاشته شده، رفسنجانی با صدا م تلغنی صحبت کرده، پشت پرده همه کارها تمومه ولی خوب برای طرفدارا شون به کم سنگین بود که اونم با حرفهای خمینی روبراه شد. این ترقی و ترقی هم که دیدی ساخت و پاخت صدا مپسا رفسنجانی بود، آخه صدام که روش نمی‌شه به رجوی بگه دارودستات رو برودا روبرو این بود که با هم قرار گذاشتند تا دوتا نیروی مخالفشون رو به جون هم بیندازند، از هر طرف که کشته می‌شه به نفع ایسران و عراق بود، پیرمردی با موهای سپید و قدی خمیده که تا این لحظه خاموش بود با لحنی آرام و از موضع بالا و روشن‌فکرانه گفت: تا سیاستا و نظرف مرزها چسی باشه ایران همیشه بنظوری بوده تا اومده به کمی جون بگیره دستهای از داخل و خارج پیدا شدن و اوضاع رو بهم ریختند، هر سال یکبار این

خمینی نیا بدیدرسید (با خنده) من گفتم احست هم نظراین بدرو فبول دارم، صلحنگا مل و دلخواه مردم موقعی برقرار می‌شه که ملاها نیا شدند و رژیم خمینی سرنگون بشه، و الا بقول شما چند روز دیگه وقتی اینا نفسی تازه گرفتند و مردم را ساکت کردند دوباره جنگ را از سرخواهند گرفت.

شبهای شبیه معمولانا نوا شیبهای لوانشی و تا فتون و سنگکی بخت ندادند و هجوم همه مسردم جنوب شهر متوجه نا بربری است و طبعا در صفا طویل این نوا شیبها بدست آوردن تا ن پس از دو ساعت معطلی و کلی مشا جر به بر سر نوبت، زیاد هم خالی از لطف نبوده و برای خود دنیا شی است، از برخورد های جورا جوریا مسائل روز و حوادث داغ و

نامه‌ای از ایران؛

- قسمت اول -

گزارشی از نظرات مردم درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸

وضع تکرار می‌شه اگر سیاستا و نا صلحیاشه مطمئن باشیدا بینکاروخواهند کرد حتی اگر بدست خود خمینی انجام شود، مردم بیچاره همیشه با زیجه بوده اند، من برای اینکه جلوی نطق این دانی جان ناپلئون هم محلی را بگیرم گفتم: اینهمه کشته و مجروح، اینهمه فشا روستخی که مردم تحمل کردند بقول شما همن سیاست کشورها ی بزرگ بوده، یعنی ملاها املا تقصیر ندادند، پیرمردی با کمی دستپا چکی گفت: نه جانم، اینا تقصیر دارن، تقصیرشون این بوده که ادا نسته با ندا نسته سیاستهای اونا رو پیش بردن و به آهستگی ادا مده داد، به روز شاه، به روز هم خمینی و روزهای دیگه هم کسان دیگرا بینکاروخواهند کرد، چون ایران در منطقه حساس کره زمین است هیچوقت درد دنیا آسوده نخواهد ماند، پیرمردی ولی که بنظر می‌رسید از این صحبتها کسل شده با حالتی معترض گفت: نه آقا اینطور نیست این رژیم رو نه ا بر قدرتها بلک بازاریها نگاه داشته اند و در این چند ساله جنگ هم شروتهای کلانی به جیب زدند خیلی ها مثل ما خونه خراب و مفلس شدن، اما اونا روز بروز زندگیها شون بهتر شه، به مغازه شدند، بهتا، خونهها - شون شدند، بهتا و آب خیلی از کاسه لیسها هم به جوی افتاد، تا زه بعد از جنگ هم انا از ملت طلبکاروخواهند شد و خواهند گفت که جیبها رو ما ادا ره کردیم، پس حالا با پیدا ختیار داشته باشیم و جنس خودرا هر جور که می‌خواهیم بفروشیم، بفیوزها انگاری تا ابد این مردم آدم و نا هستند، جوانی در

شتا بدار جاده، در یکی از این شبه در صفا طول و درازنا نواشی صحبت از ازان شدن کالاهما و لوازم خانگی بود، پیرمردی با دست اشاره به آن طرف خیابان کرده و مغازه بسته‌ای را نشان داد و گفت: همین حاجی فلان فلان شده میدونی چقدر در این مدت استفا ده برد، هماغناس تعاونیهها را زدکی خرید و به قیمت آزادیه خلقا لده فروخت، اما الان چند روزه شایع کرده که دارم ورشکست می‌شم، گفته تا اینجا یک میلیون ضرر کردم، جوانی با حالت ناراحت گفت: بیانشیت... خورده که میگه ضرر دادم، حالشم برایش مدام می‌چال، تلویزیون، فرش میاد این بی‌نا موش کلی پارشی کردن کلفت داره، خود من به فرش ماشینی از ش بر دم هر چسی انتماس کردم که حاجی نصف اونا و زمان قسطی بگیر قبول نکرد، ۲۵ هزار تومان پولو جرینگسی دادم بهش، اگه الان خریدم بودم اقلا ده هزار تومان نش به نفتم بود و میتونستم به به زخم دیگه امیزم، مرد دیگری گفت: برای ما چه فرقی می‌کنه ما که نمی‌خواهیم خرید و فروش کنیم، ما برای مصرف خودمون جنس می‌خریم آروز هم به قیمت خریده ایم ما هم قیمت شده ایسن و امکان داره پاشین تره هم بیاد، آخه ازان انگلیس و آمریکا با هم دعوا دارن و هر کدوم می‌خوان بیشتر با جنس بدن و برای نوسازی خرابیهای جنگ کمسک کنند، فرا شه هم قراره به عالمه مواد غذایی بسه ایران بفرسته، اگه این حرفها راست باشه اوضاع بهتر می‌شه! پیرمردی ولی گفت: چه بهتر عزیز من تا زه اول کاره، اولاد که هنوز معلوم نیست صلح صلح شه و هر دقیقه ممکنه آتش بس بشکنه و روزا زنو و

جمعی ۵۰۴ نفره از کارگران ساختمانی دور میزی در یک قهوه‌خانه تلوغ به کشیدن قلیان و نوشیدن چای مشغول بودند، کنار آنها نشستم و در یک فرصت که آنها از طلا و نزل قیمت آن در بازار صحبت می‌کردند، توانستم قاطی بحث آنها شده و چند دقیقه‌ای گفتگوی صمیمانه‌ای از این در و آن در داشته باشم، یکی از آنها گفت، چهارتا زرگر تو با زار رسکته کرده اند... مردم من و سرحالی که در میان آنها بود با خنده و لهجه ترکی گفت: بدرک تا چند روز پیش که میلیون میلیون به جیب زدند، مگه دلشون برای ماها می‌موخت که ما حال نا راحت آنها باشم، جوان دیگری که هنوز گردوغبار ناشی از کار طاقت فرما از چهره و دستانش بخوبی زده نشده بود گفت: کسی که برای پول سکت کنده اصلا آدم نیست! رفیق اوبا خنده و کمی تمسخر گفت آه، این من و تو ایم که با بنظوری هستیم، اونا به زالوها شی هستن که برای منار شون میدن.

سپس صحبت به اوضاع و احوال کار ساختمانی کشیده شد، پیرمردی در جواب سؤال من که پرسیدم اوضاع کار چگونه است؟ گفت بدک نیست و اگه جنگ

بخوا به بهتر هم می‌شه چون قیمت اجناس که بیساید پاشین روی لوازم ساختمانی هم تا شیر می‌زاره، مثلا در همین مدت آلومینیوم از کیلوشی ۲۷۰ تومان رسیده به ۸۰ تومان و خیلی از فروشندها کلسی ضرر دادند، هر چند قبلا استفاده ها شون رو بردند، من گفتم ولی اگه صلح شه دوباره قیمتها بالا میره بنظور نیست؟ جوانی از آن میان گفت هنوز که قیمت خوراکیها پاشین نیا مده، پس چه فرقی به حال ما می‌کنه حال می‌خواه صلح باشه یا جنگ، دوستش گفت نه همه می‌کنن اگه طلا بیا دپاشین همه چی میاد پاشین، شاید کم کم مواد خوراکی هم از روزن بشه و ادا مده ادا با مردم زله شدن خدا کنه همه چی از روزن بشه، مرد سیبیلو در حالیکه تا نسته چایش در استکان را سر می‌کشید گفت: اینا شی که در این روزها کشته می‌شن خیلی بدشا نسنند، دمدمای آخر جنگ نفله شدن خیلی زور داره، بیخود نیست که میگن مردم کرمانتا ه دارن پای پیاده شهر و شرک می‌کنند، حق دارن بیچاره ها، والا حق دارن، جوانی که من و سال گفت می‌کن عراق الان فقط می‌خواه انا ما سیر بگیره تا موقع رد و بدل کردن اسرا چیزی کم نیا ره و همه افرادش را از ایران ببره، پیرمردی گفت من که چشم آب نمی‌خورم، ملاها با این آسونی صلح کنند و اگه هم بکنند عراق با این سن زود بیا ول نمی‌کنند، دوباره این جنگ شروع میشه، اما الان خوب اوضاع اینا خیلی به ریخته و مجبورند صلح کنند، در حقیقت فعلا اینا از عراق فسقلی شکست خورده اند، چون به موقع بوده که می‌گفتند صلح سنگ است، چطور شده که سنگ و عا ر نیست بقول

گزارشی از نظرات مردم...

ادا مصحبت وی گفت: درسته بعدا ز جنگ با بدیسه دولت خیلی قدرتمند بیا دکه مثل بولدوزر همه گرفتار ریها بود ازا به برود و اولاهمین آش است و همین کاسه آ جوانی که در صف نوبت عقاب تریود، اما با علاقمندی به مصحبت ها گوش میداد، جلوتر آمده و گفت: منکه معتقدم تا اینتا هستن حتی بکمی آمریکا و ژاپن و انگلیس هم گرفتار ریها تا حاصل نمیشه. یعنی بعدا ز اینهمه رکس حرف بزنه میگسن فغه شو، حالا دوران سازندگیه، تازه آگسه الان فشارشون بمردم نمی تونه زیاده با شه بملت گرفتار ریهای جنگ، اما بعدا ممکنه چندتا بمردم زور بکن. دانشی جان نابلشون گفت: نه حتما لازم نیست با زور دگت با مردم برخورد کنند، تازه ممکنه به کمی هم آزادی بدن، به کمی هم به اوضاع و احوال برسند، برای اینکه به صورت با اطمینان ارباب ها شون روجلب کنند، یعنی آگسه دیروز با اسلام سلام مردم رو نگه داشتند، امروز هم بلدند با کمی ترمش اوضاع رو تو جنگ داشته باشند، وی با حالتی غرور آمیز گفت: خیلی موندن تا مردم این چیزها رو بفهمند؟! جوان با کمی دلخوری گفت: نه با این پدر خیلی کلاش بالاست! عزیز من آخوند جماعت عمری است با اسلام و این حرفها بمردم کلک زده و دست آخر هم با این حرفها بود که برگردن مردم سوار شد، حالا چطور می شه دست از این حرفها برداره! طرفداران بلا نسبت خرمقدسش روجه میخواد دجا بیده تا زه تو، سرما یه دار جماعت رو که می بینی اکثر حاجی ان و شورش دارن و بسا مهر و تسبیح با مردم بیچاره و بیچاره رو بر می شن، طوریکه این مردم سارده رو بر حتی گول میزنند. جوان مزبور گفت آره راست می گه خیلی ها با دین و ایمون مردم به شون کلک زدن و با عت عقب افتادن گی ما شدن، نوبت برای گرفتن نا رسیده و همگی از هم جدا شدیم، اما صاف در پشت سرمان همچنان غرق در سرودا و مصحبت ها و درد دلها بود.

کنی، اینقدر از این مزخرفات گوش بده تا کربشی. پسر حما می متقا بلا با خنده گفت: پس تو حالا با بد کر کرده باشی، چون تو خیلی بیشتر به مزخرفات گوش میدی و تازه اون مزخرفات رو برای بچه های کم سن و سال مردم هم میگی! از این گذشته مگه صلح نمی خوا دیشه، پس دیگه روضه خونی و ایسن حرفها با بدتموم بشه و مردم با بدشا دی کنند و خوشحال باشن و با صدای کوتا هتری گفت از وقتی که ما متنا زهر نوشید مردم خوشحالند! جوان بسبجی که سعی می کرد با شوخی با وی گلابز شود گفت: خجالت بکش تو آدم بشو نیستی، تریو با بد بفرستن خط مقدم تا حالت جا بیاد، نوجوانی که در نوبت حما نشسته بود با علاقه به شوخی آند و می نگرست گفت: راستی سیدا حمد پیا ما مار و کی نوشته بود؟ الحق که خیلی وارد بوده! جوان ریش در حالیکه کمی غافلگیر شده بود رویش را به جمعیت برگردانده و گفت: اینک چیزی نیست در همه دنیا رسنه که پیا مومتن سخنرانی رهبران را کسان دیگری می نویسن، تا اونجا که من می دونم



چون بین مردم نفوذی ندارن آمریکا هم به شون اعتنا نمی داره، از همه این حرفها گذشته امروز ما شایعه زیاده در زبان مردم، ولی خدا به صبری نه اما میده تا بعدا خودش همه جریا نات رو فاش کنه و بگه که چطور شد بیکه صلح رو قبول کرد! پسر حما می کمی جدی گفت: پس کن با با چرا! اینقدر خودتون رو به نفی می زنید، جریا نات پشت پرده معلوم دیگه خسته شدن مردم! ز جنگ، بی روهی شدن ارتش و سربازا، اختلاف شما ها با ارتشها، نداشتن مهمات تا کافی و کلا بزاد آمدن نیروهای ایران و از همه مهمتر قدرت طلبی هر آخوند تا زه به دفتر و دستک رسیده، همه اینا لایحه گوش رسیده و مملکت حکومت ملامتی را در این دیده که فعلا با بدکوتا به بیاد (با خنده)، سیدا حمد گفت: همه این حرفها بکنسار ولی با بدما مثل دیگه ای همه با شه که فعلا معلوم نیست کجای کار لنگ بوده، مردم سبنا جوان و مشتری حما مگفت: حالا هرکی مسبب و بانای این مسئله بود، فرقی نمی کنه، میخواد در فسناجا نیوده باشه، میخواد احمد خمینی باشه، میخواد در فرستن مردم به جبهه بوده باشه، بهر صورت به نفع مردم بوده، سیدا حمد گفت: درست ولی بدبختی اینجاست که الان یک مشت فدا انقلاب می کنن چرا صلح کردید، در حالیکه قبلا می گفتند چرا صلح نمی کنید، پسر حما می با خنده و تمسخر گفت: هر جا قافیه تشنگ می یاد آقا یون کلمه فدا انقلاب رو بکا می برندن و ادا مدها دکه مزیز من شما ها تا کی می خوا هید بی خود و بی جهت بمردمی که از تون دلخورن، از تون بد شون میا دبگین فدا انقلاب، نوجوان گفت بخدا راس می گه، منو که میدونی اهل هیچ برنامهای نیستم و برای خودم کاسیم ولی چون خوشم نیما دبا بچه حزب اللهی ها بجوشم با هم می کنن پانک پیا می کنن منافق، از بس از این حرفها زدند بیچاره پدرم ترسید و سال گذشته ما ه رفت منطقه، پسر حما می گفت محمد جون غصه نخور نوبت ما هم می رسه، چیزی نمونده که ما سوار بشیم و این آقا یون پیا ده، سیدا حمد که سرخ شده بود برای اینکه بیشتر از این کتف نشود گفت مگه خواب ببینید و از حما م خارج شده و خنده جمعیت بدرقه اش کرد.

اقا خودش می نویسه ما یکی از بچه ها می گفت آقای سروش و آقای حداد دعا دل برای اما می نویسن و اما م خودش تصحیح می کنه، پسر حما می با کنجکاو ی پرسید اینا کی هستند مشا ورا ما منده؟ سیدا حمد گفت درست نمی دونم ولی آقای سروش نویسنده با بدبا شه و حداد دعا دل هم تو آموزش و پرورشه، پسر حما می چند لحظه بعد در حالیکه به جمعیت چشمک میزد پرسید چون سیدا حمد راستشویگو، درسته که می کن آمریکا می خواسته اینا رو بره و مچا هدین رو بنهار سرکارا، اما اینا فهمیدن و از زور دستپاچی قطعنا مه را پذیرفتند؟! سیدا حمد با حالتی جدی و کمی آرنه گفت: آمریکا بگ کی با شه، آگه می شونست خیلی پیش از اینها اینکا رو می کرد و ادا مده دکه درسته که منافقین سر سرده آمریکا ن! اما

بدنبال حمله مجدد عراق و مچا هدین بشهرها در محل کار کارگران عموما به برقراری صلح با شک و تردید نگاه می کردند و درگیریهای حوالسی کرمانشا که بسبب گسترده ای را ظا هرادر پی داشت نوعی دلهره و تشویش برای آنها ایجاد کرده بود، بطوریکه خوشبینی هفته های گذشته خود را کاملا از دست داده و هر آن منتظر بودند که پیامد های آن به نوعی دامنگیرشان شود. موقع نهار دوست کارگری می گفت: ما رو بگو که دلمون رو خوش کرده بودیم بهمین زودی صلح خواهد شد، این لاسبا دوباره بدجوری به مردم پبله کرده اند. قسرا ره تعطیلات تا بستونی همه کارخانجات را به پیا شه

در نوبت حمام شماره تعدادی جوان در ستین مختلف نشسته بودند و پسر حما می در حالیکه پشت دخل نشسته بود، صدای ضبطش را که موسیقی ایرانی پخش می کرد تا آمدن هرتا زه واردی کم کرد، چند دقیقه ای بهمین منوال سیری شد تا اینکه جوانی با هیکل درشت و ریش و پشم زیاده یکی از رهبران بسیج و فعالین مسجد محل بود وارد شد، در ایسن هنگام پسر حما می که گویا با طرف شوخی داشت صدای ضبطش را بلند کرد، جوان تازه وارد که فهمید این حرکت تمعدا بخاطر ورودا و صورت گرفته پس از اینکه مشتریا نشسته در سالن را کمی ورنه انداز کرده و با یکی دو نفر سلام و علیک کرده خنده به پسر حما می گفت: چی چی رومیخوای ثابت

گزارشی از نظرات مردم...

حمله عراق و مجاهدین برای ۳۰٪ از کارگرهای هر کارگاه تلفن کردند. اما من که از زمین وزمان هم بهم دوخته بشم از تعطیلات خود نمی گذرم. کارگر دیگری گفت: سرمایه داران رجعت هم از خدا شکسته ۱۵ روز تعطیلات سالیان ما مالیده بشم، از یکطرف ازبازار آشفته سود می پرورم و از یکطرف از کار کردن اجباری کارگزاران خوبه و الاچی از این بهتر برای این آقایون، کارگر دیگری که تحت تاثیر جرجو خاکم از اشتها افتاده و با غذایش بازی می کرد در حالیکه قاشقش را در بشقاب برها می کرد گفت: با مسال قرار بود بچه ها رو ببرم سرشین اردبیل پهلوسوی با جنا قمولی وضع ترمینا لها آنقدر آشفته شده که نکو، املا ما شین گیر نمیداد، همه ما شین ها رو بریدند چیه، تازه که مرخصی هم داشته باشیم، با زباید با دلهره تو این جهنم سرکشیم، دوست کارگردیگای گفت: بنظر نمی آید این وضع زباید اما ده ها شش با شه بیشترش تبلیغات، اولاً عراق زباید جلیسو نخواهد آمد فقط می خواهم سیر بگیرم، و در تانسی میا هوی رژیم هم برای این که می خواهد قبول خودش دوباره طرفدارش رو بگذرد کنه و راهیما شوی روز عید غدیر هم برای همیشه، دوست دیگری که روی میز دیگری نشسته صحبت ها تو جوش را جلب کرده بود گفت: فعلاً که مجاهدین دارن یکی پس از دیگری شهرها رو آزاد می کنن، امکان داره این رشته سر دراز داشته باشه و اینا هم این دفعه بدجوری ترسیدن و بسج چون از همیشه بیشتره، کارگر جوان اما پرت تجربه ای پرسید فکر می کنی اونا قاندرن اینکار رو بکنند، تازه مگه زیر چتر مدام جلو آمدن هنره! دوست اولیه که بحث را شروع کرده بود گفت: مسلماً مجاهدین نمی توانند کاری از پیش ببرند، ممکنه عده ای را بکشند ولی خودشون هم تلفات خواهند داد، در هر صورت کارشون غلطه چون قاطی نیروهای عراقی شدن و از همه مهمتر بدجوری بهانه بدست ملاها دادند، تا دوباره اینا تونستند مرد موبرای جنگیدن تحریک کنند، دوست نیمه حزب اللهی ما که جدیداً تغییر موضع داده است گفت: منافقین صدرجه ازبعضیها بدترند و ارن هموطنان خود را می کشند، دوست کارگری گفت: این کردن کلفت حکیم مگه چیکار می کنه، اگر کار مجاهدین غلطه کارا و نم غلطه، یک با مودو هوا که همیشه، اگر اونا زیر علم صدام سینه می زنند این مزدور شکم پرست هم زیر عیای آخوندهای مارفته، پس هر دو تا شون آلت دست دیگرانند.

سربازی که از منطقه اسلام آباد دغرب گریخته بود می گفت: اوضاع درجه ها آنقدر در هم برهم است که سگ ما حیثیون می تناسه، اکثر سربازها بسا

رها کردن سلاحهای بیباده و به هزار رحمت بسا کرمانشاه و از آنجا نیز بیعت نبودن وسیله از طریق بربا هم کوه تاکنگاور و هرسین آمده اند. و همچنین نقل می کرد که اکثر اهالی اسلام آباد غرب و کرمانشاه در این مناطق در میان کوه و کمن بدون داشتن کمترین امکانات پراکنده می باشند. وی علت اصلی در هم ریختگی و بلبل شود رجبیه ها را نبودن امکانات اعم از مهمات و آذوقه و از همه مهمتر نداشتن روحیه ذکر کرده و می گفت: اکثر رجبیه ها بهم می گفتند این روزهای آخرفدای چی بشیم؟ و حتی عده ای از پیشروی مجاهدین خوشحال بوده و می گفتند: خوبه، بذار ببین جلو، روی رژیم کم

بیخود اینکار رو کردند، هم ما آواره شدیم و هم خودشون کشته خواهند شد. مرد مسانندویج فروشی با لهجه شمالی می گفت: مجاهدین اشتباه چند سال پیش خودشون رو تکرار کردند، من نمی دونم چرا اینسا اینقدر بلبلند پروازی می کنند، درسته که مردم از این تپتوها (ملاها) دلخوشی ندارند ولی یک شبه که نمایان طرفدار مجاهدین بشن، پس بجز اینکه مدام زنها و مردها شون رو بکشتن بدن کاری از پیش نخواهند برد، زنی چا در مشکلی و کاملاً سنتی اما روشن در یک اتوبوس آهسته، آهسته برای من می گفت: بخدا لعنت کنه این رجوی روا خمینی بدتر کرده، بچه های پاک و شریف مردم را کشیدند عراق



می شه و از طرفی یک بسیجی می گفت منافقین در میان ارتشها نفوذی داشتند و به همین علت ارتشش مقامت چندانی نکرده و از مقابله شان عقب نشینی کرد و اگر نیروهای مردمی نبودند منافقین خیلی جلویی بدن دونشا بد چند شهردیگرا می گرفتند. صرف واسترداد اسلام آباد و کردند توسط نیروهای مجاهدین موجب تبلیغات وسیع خاکمیت در این زمینه شد. اما در کنه این میا هوی همه جا شبه مردم از تیبها و جایگا ههای متفاوت خود هر یک بگونه ای مسئله را تعبیر و تفسیر می کردند که اکثر عمل مجاهدین را نادرست ارزیابی کرده و آنرا غلوبیتی از حد تلقی می نمودند، در همین رابطه کارگری که اقوامش در اسلام آباد زندگی می کردند، پس از شنیدن خبر تصرف شهر سراسیمه از آن منطقه می شود. وی نقل می کرد: از پلیس راه کرمانشاه عبور تماشایی اتومبیلهای شخصی ممنوع بود، با لاجبار پهباده به کرمانشاه وارد شدیم، اما بجز نظامیان و نیروهای مسلح احدی از مردم عادی در شهر دیده نمی شدند. وقتی خبر از اهالی اسلام آباد دگرفتم، ما به تجمعی از انسا نهی آواره در اطراف بیستون و حتی دورتر از آن در میان کوه و کمن حوالت دادند، به هزار زحمت بمیان اولین دسته از آوارگان بازگشتم. اما از هر کس سراغ آشنا میمرا گرفتم، آنها پیشاپیش از من سراغ دیگری را می گرفتند. محشری بود، انگار دنیا زیروروشده و انبوه زن و مرد و کودک را پای برهنه از خانه و کاشانه شان رانده بود، اکثر آنها با شیون و زاری به خمینی و صدام فحش و لعنت نثار می کردند. وعده ای هم که شنیده بودند حمله نه از جانب نیروهای عراقی بلکه تنهها از جانب مجاهدین بوده باورشون نمی شد و آنرا خود کشی می دانستند. هیچگونه روحیه حمایتی در بین آوارگان دیده نمی شد، اما بودند کسانی که ضمن بر شمردن دردها و آلام خود برای آنها هم دلسوزی کرده و می گفتند که با سدا رها زبایدن همه شون رومی کشند.

دست آخر هم داد جلوی گلوله ها سدا رها. من نمی دونم چرا مجاهدین قیام نمی کنن تا اورا عوض کنند! نو جوانی در صفا اتوبوس می گفت اگر مجاهدین همین روش رو ادا مبدن خمینی ساقط خواهند شد. وقتی با و گفتم فایده ای نداره، مردم از آنها حمایت نمی کنند گفت: چرا هر کس که به خمینی فریب بزنه کم کم در دل مردم جا می کنه! پیرومردی در یک قهوه خانه در حالیکه قلیبان می کشید گفت: نه با اشتباه این جوونهای خام کم تجربه این بود که فکر می کردند چون مردم از آخوند ها بدشون میا د پس به رجوی لبیک می کنن و اون مثل اسکندر مقدونی یکی یکی شهرها رو فتح می کنه و میاد شهرن. این آقای رجوی شنیده که زن آبتن گل می خوره ولی نفهمیده در چنما هگی می خوره!؟ فکر کرده با خرابی می تونه بره شکار و گراز، بیگدار بسه آب زدن همیشه دیگه. اون توقع داشته وقتی به شهرهای ایران می رسه مردم گرسنه ای که حتی آذوقه دوروز خود رو در خرمن ندارند، با خیال راحت زن و بچه ها شون رو بذارن خونه و سوار تانک قراضه آقا شده بیان جلو! پیر مرد تسبیح بدست گفت: آره چون شما این رژیم بدجوری مردم رو از نظر آذوقه بخودش بسته، اگر دوروز کوبن دبر اسلام بشه مردم لنگند. منم قبول دارم که همه از اینا نفرت دارن، بخدا الان چند روزی که دوباره تومحل مساجد جلوی مسجد بساط گذاشتی کمک به چیه شون رو پهن کردند و می باز زر زرنوارهای جورا جور مردم شکنجه می دن، ما با همه اینها کس دیگه ای نیست که مردم پشتشون گرم و ن باشه. یکی از سربازها در حالیکه قهوه خانه را ترک می کرد با خنده گفت: پدر جون درست می شه، دیگه چیزی نمونده، با روهم در حال اغما است برای همین روز عید غدیر دیدارنداشت، بذار اون پدرک و اصل بشه تا مردم اول به نفس راحت بکشن تا بعدش، امامه دارد.

تهران میعادگاه انحصارات بین المللی

● ضوابط جدید
برای گزینش دانشجویان

روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی رژیم اعلام کرد که هیئت پنج نفره جدیدی کار بررسی پرونده‌های داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مدارس عالی و همچنین دانشجویان مشغول به تحصیل را آغاز می‌کند.

این هیات قرار است با ضوابط جدیدی که به تازگی از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشته است، کار خویش را شروع کند. از ضوابط و کارها شیکه این هیات با بدآخرا انجام داده عبارت است از بررسی "سوابق سیاسی" و "سوابق اخلاقی" داوطلبان ورود به دانشگاه، "از طریق وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب" و "وزارت آموزش و پرورش". شورای عالی انقلاب فرهنگی رژیم همچنین کسانی را که به "مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی" اقدام کرده بودند و وابستگی تشکیلاتی به گروه‌های محاربه را داشته اند و یا به "پرداخت کمک مالی به گروه‌های محاربه یا هواداری تشکیلاتی از آن گروه‌ها یا داشتن عضویت در آنها" شناخته شده اند و یا کسی که به "تبلیغ مائریالیسم و ادیان ساختگی" اقدام کرده اند، را از ورود به مدارس عالی و با ادا مه تحصیل محروم خواهد کرد. این قانون دانشجویانی را که هم اکنون مشغول تحصیل هستند نیز شامل می‌شود.

شدیک با دداشت تفا هم‌ها مل: "مدور بیشتر نفست ایران به ایتالیا؟" "مدور بیشتر کار لا از طسرف ایتالیا به ایران"، "انتقال تکنولوژی"، "توسعه صنعت حمل و نقل بین‌المللی"، "توسعه همکاریهای صنعتی"، "مشکلات مسائل فولاد مبارکه" و... با ایران امضا کند. ایتالیا شیکا نیز همچنین خواستار "شرکت ایتالیا در مبارزه سازی خرابی‌های حاصل جنگ" شد.

قابل ذکر است که ایتالیا تنها در اجسرای پروژه فولاد با ایران یک قرارداد ۲/۴۵ میلیارد دلاری در دست اجرا دارد و در این بخش ۳۳ شرکت بزرگ صنعتی، فنی، کشاورزی ایتالیا بی با ایران همکاری دارند. این شرکت‌های ایتالیا بی با چهار مدرک شرکت ایرانی طرف معامله هستند. همچنین گفتنی است که حجم مبادلات بازرگانی ایران و ایتالیا طی سال گذشته رقمی حدود ۱/۴ میلیارد دلار بود. ایران همچنین طی سال گذشته به عنوان دومین کشور تامین کننده نفت ایتالیا، ۷ میلیون تن نفت به این کشور صادر کرده است.

و بدین ترتیب است که با بد منتظر ورود دیگر کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های چند ملیتی به ایران شد.

با پایان جنگ ایران و عراق، نظرهای انحصارات بین‌المللی و کشورهای امپریالیستی به ایران معطوف گشته است و در این راستا ست که هر روز تهران شاهد ورود هیات‌های مختلف از کشورهای گوناگون است. آنان می‌آیند تا ایران را "باز سازی" کنند. آنان می‌آیند تا به "انتقال تکنولوژی" بپردازند و "روابط فی‌ما بین" را تحکیم بخشند.

طی چند هفته گذشته، بدنیال فرانسه، انگلیس کانادا، آلمان و... ایتالیا شیکا، استرالیا... شیکا و ژاپن می‌آیند. وزیر خارجه استرالیا که در مراسم یک هیئت بلندپایه وارد تهران شده بود، هدف از آمدن خویش را بررسی "امکان شرکت استرالیا در مبارزه با زبیه‌های پس از جنگ" و بحث و صحبت با مقامات ایرانی حول "تحکیم روابط فی‌ما بین و بررسی مسئله تجاری" اعلام کرد.

دولت ژاپن نیز که حضور فعلی در اقتصاد ایران دارد با اعزام نماینده ویژه "خویش، علاقمندی ژاپن را برای همکاری فعال در مبارزه سازی خرابی‌های ناشی از جنگ و توسعه هر چه بیشتر روابط" اعلام نمود.

در این میان هیئت ایتالیا بی نیز سرانجام پس از چندین روز بحث و "دیدارهای دوستانه" با رضای خاطر ایران را ترک گفت. این هیئت موفق

● فراریان از جبهه به اشد کیفر مجازات می شوند.

● زن از دیدگاه نائب امام

مدتی است که روزنامه‌ها و مجله‌ها در سلسله بحث‌هایی را از منتظری با عنوان "مبانی فقهی حکومت اسلامی" به چاپ می‌رسانند. در بحث حول مسئله زن در مطلبی با عنوان "تقسیم مسئولیت‌های جامعه بر اساس خلقت زن و مرد" وی عقیده اش را چنین بیان می‌کند: "خداوند حکیم برای استواری نظام خلقت و تحکیم روابط اجتماعی و نظام خانواده و تفاهلی را در خلقت زن و مرد قرار داده... تفاوت بین زن و مرد نظیر تفاوت بین اعضا بدن از قبیل چشم و گوش و دست و پا و سایر اعضا می‌باشد... و مسلم است اگر خداوند سبحان زن و مرد را از جهت جسم و غا اشر و خصوصیات روحی همان و همانا ننهد هم خلق نمی‌شود، هر یک خود را موجودی مستقل و بی‌نیاز از دیگری احساس می‌نمود و از همان ابتدا اساس خانواده کس، اساس جامعه است تشکیل نمی‌گردید... زن مظهر مهربانی و عاطفه است و مرد مظهر عقل و تدبیر... در مرد بی‌باکی بیشتر است و در زن شرم... زن به فن و ادب متمایل تر است و مرد به علوم استدلالی و تفکر... مرد در فکر تسخیر جهان است و زن در مصدد تسخیر مرد. مرد ساعت خود را در مال و مقام و شهرت می‌بافد و زن در جلب توجه مرد به خویش..."

خبرنگار جمهوری اسلامی اعلام کرد که "طرح‌هایی در دست اجراست که قریباً خدمت وظیفه فراریان و غایبین به چند برابر افزایش یافته و هر زمان که دستگیر شوند، حتی پس از پایان جنگ نیز با همان ضوابط زمان جنگ با آنان رفتار خواهد شد کیفر مجازات خواهد شد". آری رژیم چون حیوانی زخمی تصمیم دارد انتقام شکست خویش را از نیروهای بی‌باکی که حاضر به حضور در جبهه‌ها نشده اند بگیرد.

● مصرف سرانه گوشت در ایران

طبق یک بررسی، مصرف سرانه گوشت قرمز درجهان برای هر نفر ۳۵/۸ کیلوگرم و گوشت ماهی ۱۳ کیلوگرم در سال می‌باشد. این میزان در ایران، طبق آمار موجود ۲/۲۰ کیلوگرم گوشت قرمز و ۱/۲ کیلوگرم گوشت ماهی است. به عنوان مثال در سال ۶۲ (از این سال به بعد) آمار در دست نیست) در ایران ۸۲۶ هزار تن گوشت قرمز مصرف شده است که تنها ۶۳۲ هزار تن آن متعلق به مناطق شهری بود. یعنی در همین سال میزان مصرف گوشت قرمز در مناطق روستایی ایران برابر با ۱۰/۲۴ کیلوگرم ماهی به عبارتی دیگر یک سوم استان‌ها را در بین المللی برای هر نفر بود.

● خبرهایی از آتش بس در جنگ

— سرانجام ساعت ۶/۵ صبح روز شنبه ۲۹ مرداد پس از ۸ سال جنگ بین ایران و عراق، رسماً آتش بس آغاز شد.

— شورای امنیت موافقت خویش را با تشکیل یک نیروی سازمان ملل جهت نظارت بر آتش بس اعلام کرد.

— طبق قطعنامه ۶۱۹ شورای امنیت هیئت ناظر به مدت ۶ ماه در منطقه خواهد بود.

— ۲۵۰ نفر از نیروی سازمان ملل از ۲۹ مرداد در دوسوی آتش بس مستقر شدند. این نیروها از ۲۵ کشور مختلف می‌باشند.

لهستان - ۲۶ اوت

اسرائیل - ۲۵ اوت

● بر طبق اظهارات شارون وزیر منايع و بازرگانی اسرائیل، کشوروی به فشارهای اقتصادی آمریکا و قسماً نخواهد گذاشت و این فشارها اگر صورت واقعیت به خود بگیرند، تصمیم‌های سیاسی اسرائیل را دگرگون نخواهند کرد. تقاضای مطرح شده در آمریکا برای اعمال فشار اقتصادی به دلیل اینکه دولت اسرائیل، حقوق سندیکائی کارگران فلسطینی را زیر پا گذاشته است، اخیراً افزایش یافته است. شارون در این مورد گفت که دولت وی نمی‌تواند به زمانهای پوشش PLQ که بمنسوان اتحادیه فعالیت می‌کنند، اجازه فعالیت قانونی بدهد.

یافته بود که در جریان آن فعالین اتحادیه "همبستگی" با ردیگر فعال شده‌اند. بنا به گزارشات موجود، کارگران اعتصابی دوماهه است. نخست افزایش دستمزد به میزان ۵۰٪ و دوم قانونی شدن اتحادیه همبستگی. دولت لهستان تاکنون در خواست دوم را نپذیرفته و حاضر نیست با رهبران همبستگی وارد مذاکره شود.

● بدنبال اعتصابات کارگری وسیع توسط معدنچیان و نیز کارگران کشتی سازی، و در حالیکه اعتصابات در پاره‌ای از معدن خامه یافته است، دولت لهستان آماده‌گی خود را برای مذاکره با اعتصابیون اعلام نمود. اعتصابات کارگری که به خواسته افزایش دستمزد شروع شده بود، ابتدا در معادن زغال سنگ و سپس به بخشهای دیگری از صنعت از جمله کشتی سازی و فولاد سازی نیز گسترش

پاکستان - ۲۴ اوت

● جمهوری بنی نظیر بوتو رهبر حزب مردم پاکستان و دختر ذوالفقار علی بوتو خواهد بود. وی امیدوار است که بتواند به طرفی ارتش را جلب نموده و به قدرت برسد. در صورت به قدرت رسیدن بوتو، رابطه کنونی پاکستان با ضد انقلابیون افغانی دستخوش تحولاتی خواهد شد.

● بدنبال سقوط هواپیمای نظامی ژنرال ضیاء الحق و مرگ وی و تعدادی دیگر از ژنرالهای ارتش پاکستان، قرار است که در تاریخ ۶ نوامبر انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. در این انتخابات که مقامات دولتی قول "آزاد" بودن آزاد داده‌اند، مهمترین کاندیدای ریاست

برمه - ۲۵ اوت

● بدنبال هفته‌ها ناآرامی در برمه که طی آن تعداد زیادی مقامات بلندپایه دولتی و حزبی کتار گرفته‌اند، شهرانگون پایتخت برمه شاهد یک تظاهرات عظیم ۴۰۰ هزار نفری بود. تظاهرات کنندگان خواستار لغو سیستم تک حزبی و برقراری دموکراسی هستند. به گفته ناظران آگاه دولت برمه که در سالهای اخیر شاهد شکست برنا ماهای اقتصادی خود بوده‌است، اکنون بشدت متزلزل بوده و احتمالاً به خواست اپوزیسیون برای تشکیل دولت موقت برای قبل از انتخابات با تکرار خواهد گذاشت.

فیلیپین - ۲۵ اوت

● بدنبال اختلافات شدید در دولت آکینو و کناره گیری لاورل معاون وی، اعلام شده که وزیر سابق دفاع آنریبلو لاورل اقدام به تشکیل یک حزب اپوزیسیون مشترک خواهد نمود. حزب اخیراً میباید و راست است که بتواند بخشی از طرفداران مارکوس را بسوی خود جلب کند.

شیلی - ۲۴ اوت

● دیکتا توری نظامی ژنرال پینوشه در شیلی، پس از ۱۵ سال به وضعیت فوق العاده ختم شده است. این اقدام در عین حال به معنی واگذاشتن قدرت به غیر نظامیان و برگزاری انتخابات آزاد نخواهد بود. در انتخابات آینده ریاست جمهوری در شیلی، پینوشه به عنوان تنها کاندیدای ایسنت پست خواهد بود.

ادامه از صفحه ۷ "اقلیت علیه آزادیهای ..."

دموکراسی توده‌ای عطا کند. تنها کوتاه‌فکرترین جریان‌ها تپوپولیت نظیر "اقلیت" حاضر هستند تحت سیاهترین دیکتاتوریهایی تاریخ ایران فقط از آزادی احزاب خلقی دفاع کنند و نام آنرا هم دفاع از "دموکراسی‌ها بنیاد" یا "دموکراسی توده‌ای" نهند. جا بنیاداری پوپولیتها از دموکراسی توده‌ای ادعائی پوچ و نسیب است. زیرا کسی که هنوز نمی‌داند که کمونیستها با دفاع از مطالبات بورژوازمدمکراتیک در حقیقت به محدودیت تاریخی و طبقاتی آن گردن نگذاشته بلکه مشیت همه احزاب "دموکرات" و "آزادی خواه" بورژوا را بازمی‌کنند، چنین کسی چگونه می‌تواند برای دموکراسی توده‌ای مبارزه کند؟ اگر به واقع آنگونه که اقلیت ادعا می‌کند، دموکراسی توده‌ای هدف این سازمان است، و آنجا با بدبهروشنی نشان داده شود که از شرایط استبداد تا آن دموکراسی و از آنجا تا سوسیالیزم، چگونه نیروهای طبقاتی لازم گردآوری می‌شوند. نویسنده محترم پوپولیت انگار هنوز در رویای بیرون کشیدن شیپسور، سازمان پرافتخار روبه صف کردن توده‌ها بصرمی‌برد، وقتی که با دست و دل بازی در مورد تکامل دموکراسی به سوسیالیزم کاغذی می‌کند و دموکراسی توده‌ای را امری مفروض می‌داند!

امروزه، در ایران استبداد دزده، کمونیستها با بلند کردن پرچم دموکراسی و دفاع بی‌تزلزل از کلیه حقوق دموکراتیک و مطالبات آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی، راه‌گذار توده‌ها به دموکراسی توده‌ای را گشوده و نیروی لازم برای درهم کوبیدن نظام سرمایه‌داری را حول طبقه کارگر سازمان می‌دهند.

بنا بر این "اقلیت" که این چنین دفاع از آزادیهای سیاسی را به

تحقیر می‌گیرد و با ژستی انقلابی آنرا لیبرالیستی می‌خواند در شرایط کشور ما چاره‌ای ندارد به جز اینکه در مورد سرکوب نیروهای اپوزیسیون ابتدا به تعیین خلقی بودن و یا نبودن این نیروها بپردازد. و بخشی از سیاست سرکوبگرانه رژیم را مشروع جلوه دهد یا حداقل سکوت بگذارد. مقاله‌کنار اقلیت با حمله به موضع سازمان ما و در شرایطی که هیچیک از گروه‌های بورژوازی قادر به دفاع از آزادی و دموکراسی نیستند، یکبار دیگر سفاکت سیاسی سالهای ۵۸ تا ۶۰ را تکرار می‌کند و بی‌انگه از آموزشهای سالهای اخیر بهره گرفته با شتاب ردیگر ضمن سپردن میدان مبارزه به لیبرالهای بورژوا، ناتوانی خود را برای سازمان دادن توده‌ها، و برای مبارزه حول کلیه خواستهای آنها آشکارا می‌کند. پوپولیتها در گام اول مبارزه برای سوسیالیزم نشان می‌دهند که بنا به "سرتت طبقاتی متناقض خود" نمی‌توانند حتی از دموکراسی بورژوازی و بدیهی‌ترین حقوق دموکراتیک توده‌ها دفاع کنند و بدین ترتیب در وضعیتی که در نبود دموکراسی قبل از همه بر طبقه کارگر فشار وارد می‌شود و سرپیشروان کارگری و کمونیست را از تن جدا می‌کنند و در شرایطی که انقلاب کارگری ایران برای پیش رفتن و بسطی گردآوری نیروها زمان نمی‌دهد، مثل هوا به دموکراسی نیاز دارد، چاره‌ای ندا رند مگر اینکه یکبار ردیگر در حاشیه سیاست و مبارزه طبقاتی، در لاک در ما ندگی خود فرو روند!

(ب) و می‌دانیم که، لنین در آستانه انقلاب اکتبر، حاضر به حذف هیچیک از مطالبات حداقل حتی مجلس موسسان از برنا به خود نشد، پس از کسب قدرت توسط شوراهای با زهم تا سال ۱۹۱۹ بهیچوجه برنا به حداقل را حذف نکرد و تنها با اطمینان یافتن از تحکیم قطعی حکومت شوراهای (دموکراسی توده‌ای پوپولیتها پیشکش!) شفیر برنا به حزب را کاردرستی دانست.

ترکیه فروخت ، ایران به رگبار بست!

۵۸ ایرانی پناهنده از طرف دولت ترکیه به پاسداران حکومت تسلیم و بلافاصله به رگبار بستند. امضاء قائم مقام شهرا و زالب (OZALP) واحد ۱۲۰/۲ ژاندارمری مرزی و مسئول شهرستانی وان در این تحویل پناهندگان وجود دارد. ادعا می شود که در آزادی هر پناهنده ۷۰۰ دلار به دولت ترکیه از طرف ایران پرداخت شده است. وزیر کشور ترکیه این ادعا را دروغ نامید.

کسانی که نامشان خوانده شده بود، وسایل خود را جمع کرده، با دوستانشان خدا حافظی نموده و در ساعت گذشته در جلوی مرکز پلیس جمع گردیده و خود را برای انتقال آماده نمودند.

دردره کوتور (KOTUR) ۵۸۰ مرده

بعدها مناطقی گفته شده به پناهنده تغییر پیدا کرد و پناهندگان دردره کوتور (KOTUR) به فرمانده پاسداران تحویل داده شدند. همه چیز رسمی و بر اساس قانون بود. قرار داد تحویل و تحول از طرف قائم مقام و زالب (OZALP)، فرمانده واحد ۱۲۰/۲ ژاندارمری مرزی فرستاده (نما بنده) رئیس پلیس وان امضاء شد.

بدنبال این مسئله خبریان افشار تعریف می کنند: وقتی فهمیدم دو پسر مجزوم ۵۸۰ ایرانی هستند، ما شبن کرا به نموده و بدنبالشان رفتیم. دروازه زالب (OZALP) بودم که مسئولیت گفتمند به مرز برده شده اند، ما منطقه ممنوعه پیش رفتیم، بعد دیدارشان موفق نشدم. به بالای یک تپه رفتم و منتظر شدم. چند ساعتی نگذشته بود که صدای رگبار را شنیدم.

"پاسداران دولت ایران بدون اتلاف وقت ۵۸۰ پناهنده تسلیم داده شده را جلوی تسلیم دهندگان به آتش رگبار بستند."

به نقل از مجله ترکی "بسمت ۲۰۰۰"

(Dergi 2000) شماره ۲۳

اسامی عمده ای از پناهندگان

که تحویل ایران داده شده اند:

- ۱- امید عبیدی
- ۲- محبوبه علی عابد
- ۳- علی مشهدی
- ۴- علی افشار
- ۵- بابا لعلی افشاری
- ۶- جهانگیر افشاری
- ۷- روبرت آقا زاده
- ۸- کامبیز اقدسی
- ۹- علی مریشاهی
- ۱۰- کامیس بابیل
- ۱۱- ایرج بهروزیان

- ۲۳- بورکا لطیفی
- ۲۵- عباس موسوی
- ۲۶- حمید پورقاسمی
- ۲۷- سعید مادی
- ۲۸- سعید مادی
- ۲۹- علیرضا صدیقی
- ۳۰- آمانوئل سرگبسی
- ۳۱- پنا تل سرگبسی
- ۳۲- منصور سلیمان
- ۳۳- علیرضا سیفیان
- ۳۴- عبدالعزیز شمیری
- ۳۵- امیر یگیتی
- ۳۶- رحیم تونس
- ۳۷- فرانسیس
- ۳۸- کیا نون
- ۳۹- پیمان
- ۴۰- وحید

- ۱۲- عظیم بویار
- ۱۳- کوروش
- ۱۴- سعید افشین
- ۱۵- تاپه ا میری
- ۱۶- مهربان فراسی
- ۱۷- عباس مصطفی پیرزاده
- ۱۸- روبرت گلنار
- ۱۹- حمید خادم پور
- ۲۰- حسن خلیلی
- ۲۱- بابا کوب عیسوی
- ۲۲- مهران اسماعیلی
- ۲۳- آمانوئل لطیفی

TÜRKİYE

MÜLTECİLER

Türkiye sattı, İran kurşuna dizdi

58 İranlı mülteci, Devrim Muhafızları'na teslim edildi ve hemen oracıkta kurşuna dizildi. Teslim tutanağında Özalp Kaymakamlığı, 120/2 Jandarma Hudut Komutanlığı ve Van Emniyet Müdürlüğü görevlilerinin imzası var. İran'ın, iade edilen mülteci başına 700 dolar verdiği iddia ediliyor. İçişleri Bakanı iddiaları yalancılığı.

Beyaz Renault station, Van'ın Çaldıran Otel'i'nin önünde durdu. 63 AU 661 plakalı arabadan sivil giysili üç polis indi, otelin lobisinde kendilerini bekleyen İranlı mültecilerin yanına gitti. "Policilerden biri elindeki dosyadan, otelde kalan 34 mülteci den 16'sının adını okudu. Oradan Aslan, Murat ve Sibel otellerine gittiler. Toplam 58 İranlı mülteciye, bekletileri müjdeyi getirmişlerdi. Ertesi gün, yani 29 Temmuz'da Birleşmiş Milletler gözetimindeki Kayseri, Çorum, Hakkışehir, Kütahya ve Kastamonu mülteci kamplarına gönderileceklerdi.

Adları okunanlar, eşyalarını topladılar, kabanlarını vedalaşınlar ve tam söylenen saatte Emniyet Müdürlüğü'nün önünde toplandı, kendilerini götürülecek araçlara bindiler.

KOTUR DERESİ'NDE 58 ÖLÜ

Sonra araçlar doğuya yöneldi, İran'a. Mülteciler Kotur Deresi muntakasında Pastaran Komutanlığı'na teslim

edildi. Her şey resmi ve kurallara uygundu. "Teslim ve teslimatı" nı Özalp Kaymakamlığı, 120/2 Jandarma Hudut Komutanlığı ve Van Emniyet Müdürlüğü görevlileri imzaladı.

Gerisini Fehriyan Afşarı anlatıyor: "Aralarında iki oğlumun da bulunduğu 58 kişinin İran'a doğru gönderildiğini öğrenir öğrenmez, arabalarıyla peşlerine düştüm. Özalp'a vardığımda yetkililer unura götürdüklerini söylediler. Yasak bölgeye kadar izledim, yetişemedim. Bir tepeye çıkıp bekledim. Birkaç saat geçmişti ki, kurşun sesleri duydum."

İran Devrim Muhafızları hiç zaman kaybetmemiş, 58 kişiyi, teslim eden Türk yetkililerin önünde hemen oracıkta kurşuna dizmişlerdi.

"MEĞER ÖLÜM TÖRENİYMİŞ"

Katliamdan kurtulanlar özgüldüler, öfkeliydiler. Cihangir Şemsari başladı anlatmaya: "Arkadaşlarımızın kamplara götürüleceğini söylediklerinde çok

sevinmiştik. Kendi aramızda bir eğlence bile düzenledik. Meğer ölüm törenlerini yapmışız. Türk polisi resmen yalan söyledi. Duyduk ki İran makamları, teslim edilen her İranlı için 700 dolar ödemiş, bu, Azerbaycan valisiyle yapılan sınır ticareti protokolünde varmış. Sınır ticaretinizin özü insan ticaretidir."

Türk yetkililerinin İranlı mültecileri para karşılığı sattığı kanısı yaygın. Hele idi Emirzade, başka şeyler de anlatıyor: "İran'dan kaçakçı 56 gün oldu. Her Allahın günü polisimize para vermekten bıktık. Daha üç gün önce, 'karbon kâğıdı alacağız' diye 120 İranlıdan 1000'er lira topladılar. Sonradan öğrendik bir kutu karbon kâğıdı 5 bin liraymış. Anlaşılan sizin polis 2000 yılına kadarki karbon kâğıdı ihtiyacını bizden karşılamış; Postaya evrak verilecek; para; teleks çoklu olacak, para... Birleşmiş Milletler Komiserliği'nin gönderdiği paralara da el koyuyorlar. Eşim ve benim adıma 300 dolar gönderildi, oysa bize

ŞİP'YE ŞİŞMAN İRANLI MÜLTECİLER



جان هزاران پناهنده ایرانی در ترکیه در خطر است!

ایرانیان مبارز!

سازمانها و احزاب مترقی!

"علیه استرداد" و "کشتار پناهندگان متحداً اعترافی کنیم"

بدنبال تحویل ۵۸ پناهنده ایرانی توسط دولت ترکیه به رژیم اسلامی و انتشار روبرو شدن دستهای آنها توسط پاسداران رژیم در دره قطور تعدادی از تشکلهای دمکراتیک و تشکلهای هواداری سازمانهای دمکرات و انقلابی و کمونیست در وین - اتریش، با انتشار اطلاعیه‌ای از هموطنان ایرانی دعوت کرده اند که روز ششم پناهنده ایرانی سفارت ترکیه علیه سیاستهای ضدپناهنده‌گی آن دولت دست به تظاهرات بزنند. نیروهای زیر اطلاعیه را امضا کرده اند:

- ۱- شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران - وین
- ۲- سازمان دانشجویان ایرانی - وین، اتریش
- ۳- هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) (راهکارگر) - واحد اتریش
- ۴- هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - وین
- ۵- هواداران حزب دمکرات ایران رهبری انقلابی - واحد اتریش
- ۶- کانون دفاع از پناهندگان سیاسی ایرانی - اتریش
- ۷- سازمان دانشجویان ایرانی در وین هوادار - ان چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش‌ها) - بخش خلقهای ایران

همین نیروها یک تشکلهای اعترافی نیز به تعدادی از سازمانهای هوادار حقوق بشروبرخی از وزارتخانه‌ها در اعتراض به تحویل پناهندگان ایرانی به رژیم جنایتکار اسلامی ارسال کردند.

طنی اغیاروگزارشات رسیده از طرف نیروها و عناصر مترقی ضد رژیم، اغیاربا توافقاتی که بین دولت ترکیه و ایران انجام پذیرفته است، پلیس و مأمورین مرزی هر دو کشور مجاز خواهند بود جهت تعقیب، شناسایی و دستگیری مخالفین هر دو رژیم به شهرهای مرزی یکدیگر وارد شوند. در نتیجه این اقدام غیرقانونی در چند هفته اخیر تعداد سیصد نفر از عناصر سیاسی و مخالف رژیم توسط پلیس ترکیه و پاسداران مرزی رژیم جمهوری اسلامی در شهر "وان" ترکیه شناسایی و دستگیر شده اند.

رژیم جنایتکار و ضد مردمی جمهوری اسلامی اینک در جبهه بحرانی سخت بسر میبرد. وحشیست و هراسناک‌ترین رفاختیهای مردم، با بیداری و استواری زندانیان سیاسی، اعتراضات و اعتصابات کارگران و زحمتکشان، مخالفتها و مقاومت مردم در برابر جنگ خانمان برانداز، باعث گردیده تا بسیاری دیگر رژیم‌دمدمنش و خونریز جمهوری اسلامی موجی از خشم و جفاست را بر اندازد. اعدای اغیار زندانیان سیاسی، دستگیری فعالین و عناصر ضد رژیم، به‌دراویختن ستم از جوانان مخالف رژیم در حین عبور از مرز ترکیه در سه راهی شهرستان خوی، نمونه‌هایی است از این سیاستهای ضد بشری. بهمین منظور کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی در استکهلم بعنوان اعتراض به سیاستهای ضد حقوق بشری دولت ترکیه و تمساحها و همکاریهای پنهانی با رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران مسرزی برای دستگیری و کشتار مخالفین رژیم حتی در خارج از مرزهای ایران، تظاهراتی ایستاده در مقابل سفارت ترکیه در استکهلم را تدارک دیده است.

شرکت و حضور شما در این تظاهرات نشان آزادیخواهی و احترام به حقوق بشر است.

متحداً از حقوق پناهندگان ایرانی در ترکیه دفاع کنیم

سرتگون با در رژیم جمهوری اسلامی

مرگ بر مهربانیم

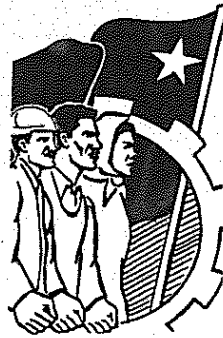
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی در ترکیه - استکهلم

محل تجمع: میدان SERGELSTORGET

۸۸/۸/۱۲

زمان: دوشنبه ۸۸/۸/۱۵ ساعت: ۱ بعد از ظهر



نشریه "کارگر تبعیدی"

شماره اول "کارگر تبعیدی" ارگان جنبش دفاع از حقوق سندیکا شی کارگران ایران منتشر گردیده. این شماره حاوی مقالاتی راجع به اوضاع و مسائلی کارگری ایران، پلاتفرم جنبش مذکور، لیست اسامی شهدای کارگران ایران از سال ۵۷ به بعد و اغیاروگزارشات مختلف است. ضمن تشکر از دفتر مرکزی جنبش دفاع از حقوق سندیکا شی کارگران ایران که نشریه و یک نسخه از پلاتفرم خود را برای ما ارسال کرده اند برای آنان در مرخصی بزرگشان آرزوی پیروزی داریم و در اولین فرصت پلاتفرم این جنبش را در پهنایم کارگردار خواهیم نمود.

لیست کمکهای مالی

آناهیتا	۱۰۰ مارک
الدوز	۹۰ "
ف ۲۸	۲۰ "
ن ۱۲	۱۰ "
س ۲۵	۱۰ "
ع ۸	۱۰ "
ن ۲۲	۲۲ "
هواداران راهکارگر در هلند، (هسته علیبرافا شکوهی)	
کبدن	۱۰۰
ر-م	۱۷ مارک
ر-ه	۷۰۰ "
ا-ن	۳۱۰ "
گروه رقص محلی	۱۶۰ "
د-د	۳۰ "
ب-م	۵۰ "
س-ن	۵۰ "
ه-ی	۲۰ "
ت-ر	۱۰۰ "
ت-خ	۲۰ "
م-د	۱۰ "
ش	۳۰ "
کوال	۷۰ "

هدیه شهره در بافت شد

کارگر تبعیدی

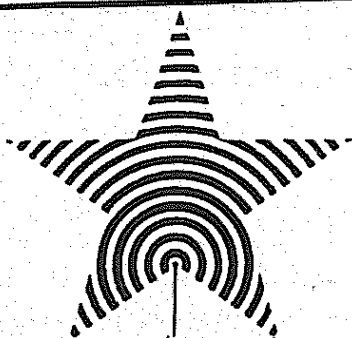
شماره اول
رواد: ۱۳۶۷

میدان آزادی تهران - تهران

بسیار متأسفانه اطلاع موجود است که انتشارات کارگر تبعیدی در تهران و سایر شهرها در دسترس نیست. این امر به دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی است. ما در تلاشیم تا این نشریه را در سایر نقاط ایران و خارج از کشور نیز منتشر کنیم. اگر شما هم در یکی از این مناطق هستید، لطفاً با ما تماس بگیرید تا بتوانیم این نشریه را به دست شما برسانیم.

این نشریه به منظور آشنایی کارگران با حقوق و منافع خود و همچنین برای بیان اعتراضات و مطالبات آنها منتشر می‌گردد. ما به همکاری و همفکری شما نیاز داریم تا بتوانیم این نشریه را به بهترین شکل ممکن منتشر کنیم.

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر یا ۴ مگا هر تزیخش می گردد .
★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد .
★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید

برای تماس با سازمان از خارج کشور، با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹ در برلین غربی تماس بگیرید . بد لیصل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی ، مطلقاً تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود .

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

افشای يك جاسوس ديگر

کراچی - پاکستان :

ویاندهای تبهکار روتورریست اش دوشن ازبناهند- کان بلوچ را در تاریخهای ۳۰ و ۳۱ جولای در یکی از مناطق کراچی دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار می- دهند. آنها دو پناهنده مزبور را تهدید می-کنند و اظهار می-دارند که آنها در شنا سازی جاسوس رژیم دست داشته اند. امین سیدزاده فرد خود فروخته فرزند اما ن الله سیدزاده ساکن سراوان (بلوچستان) می باشد. پدرش در زمان ستمشاهی یکی از مسئولین عشا بریلوچستان و از مهره های مسوود اعتماد ساواک و از خوانین فعال در سرکوب خلق بلوچ بوده و در پستهای متعددی در خدمت به "ولی - نعمت" و "ظلیلله" انجام وظیفه می-نموده است. خود امین نیز در زمان شاه یکی از اعمال سرسپرده ساواک و عضو حزب منقور رستا خیز بوده که پس از سرنگونی رژیم پهلوی دستگیر می-شود و پس از گذشت مدتی کوتاه با ابقاء در شغل سابقش آزاد و بی- خدمت رژیم جمهوری اسلامی در می-آید.

"کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی" در اطلاعیه ای به تاریخ ۱۹۸۸/۸/۷ تحت عنوان "جاسوسان رژیم جمهوری اسلامی را افشاء نمائیم" یکی دیگر از فریب خوردگان جاسوس رژیم فقها را با نام امین سیدزاده کشف و افشاء کرده است. وی که در برنا مه ۱۳ جولای "انجمن فرهنگی پناهندگان و آوارگان ایرانی" به عنوان شمشاچی شرکت کرده بود تا بدینوسیله به شنا سازی ایرانیا ن مخالف رژیم فدیشرای سلامی بپردازد، توسط پناهندگان مورد شنا سازی قرار گرفته و به بیرون از سالن هدایت گردید. دربارت رسی بدنی از او و کارت شنا سازی پاکستانی و جواز حمل سلاح بدست آمد. وی که پیشتر به پلیس پاکستان گرم بود، شروع به فحاشی و داد و بیداد نمود و در مخالفت پلیس بجای جاسوس چند نفر از پناهندگان و آوارگان بی-پناها ایرانی دستگیر شدند، که پلیس بعداً زیر و بنده سازی آنها را آزاد کرد. پس از این حادثه شبکه جاسوسان رژیم اسلامی

نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید!

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت و با وجه نقد به آدرس زیر ارسال کنید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هواپیما
راه کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰ "	۳۱ مارک ۶۲ "
راه کارگر بین المللی راه کارگر بینان انگلیسی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۸ مارک ۱۶ "	۱۰ مارک ۲۰ "
پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور (۱۵ روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶ "	۳۳ مارک ۶۶ "
ریگای کریمکار ارگان کمیته کردستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲ "	۱۲ مارک ۲۴ "
کاری راه ارگان کمیته بلوچستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲ "	۱۳ مارک ۲۶ "

آدرس :

شماره حساب بانکی:

Postfach 650226
1BERLIN 65

H-Softanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 10070000 -
Konto-Nr: 5208533

نام و نشانی کامل مشترک :
(لطفاً تغییرنشانی تان را اطلاع دهید!)

.....
.....